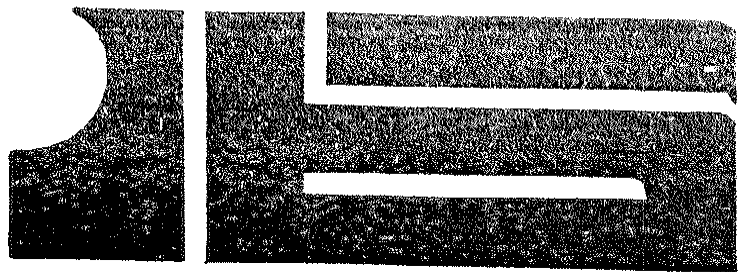


مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

چهارشنبه ۸ اسفند ۱۳۵۸

سال اول - شماره ۴۸ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۱۲ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

به یاد حماسه شهادت رفقا
توماج، مختوم، واحدی و جرجانی
در اجتماع ۹ صبح جمعه ۱۰ اسفند
شرکت کنیم
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

حکومت با دروغ پردازی

و تحمیل اطلاعاتی جعلی به مطبوعات، سعی دارد
کشتار خلق ترکمن و فاجعه ترور توماج و همزمان را پرده پوشی کند
● برای جلوگیری از افشای حقایق مناظره تلویزیونی را به تعویق انداخته اند

هر روز که می گذرد فاجعه ترور رفقا، توماج و همزمان، ابعاد سیاسی وسیع تری می یابد و مقامات رسمی جمهوری اسلامی را بیشتر در تنگنای سیاسی قرار می دهد. استعفا یا در حقیقت برکناری خامنه ای روی کار آمدن عباس دوزدوزانی که نام آشنایی برای فدائیان است که در رژیم شاه زندانی بوده اند، و صاحبان و اطلاعیه های رنگارنگ، جعل و تحریف حقایق، علم کردن گروه های مجهول به عنوان عاملین ترور و مانورهای سیاسی رئیس جمهور که بیشتر از همه خود را درمخمس می بیند تنها قسمتی از تلاش های است که کارگران اسلامی برای حیران آسب سیاسی که از این رهگذر دیده اند به عمل می آورند. از آنجا که هم میهنان باید از حقایقی که در میهنمان می گذرد، به درستی آگاهی و اطلاع یابند، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران وظیفه خود می داند نکات زیر را به آگاهی مردم برساند

۱- ادعای سخنگوی سپاه پاسداران و شخص رئیس جمهور که گفته اند منازل شهرگنبد از روزهای قبل برای ارتباط سوراخ شده بوده است و برپام ها از روزهای قبل

باکیسه های شن سنگرتی شده بوده، نادرست و کذب محض است. هزاران نفر از مردم گنبد شاهد هستند که بیش از یک شبانه روز پیساز بقیه در صفحه ۳

بنی صدر بر ویرانه های حزب جمهوری اسلامی

اوضاع و احوالی که طی یکی دو هفته اخیر برحو سیاسی میهنمان حاکم شده است، شایسته بررسی دقیق است. پس از انتخاب رئیس جمهوری و کاهش نقش آیت الله خمینی در تصمیم گیری های سیاسی و با رشد ستابان نیروهای انقلابی، تعادل جدیدی در عرصه مبارزه طبقات پدید آمده است. بارزترین تحولی که در تعادل نیروها پدید آمده است ایجاد شکاف های عمیق در "روحانیون پیرو خط امام" است. این شکاف ها با کاهش چشم گیر نفوذ توده های این روحانیون همراه بوده است و در حقیقت انعکاس درماندگی روحانیت در پاسخ گوئی به مطالبات توده ها است. دیگر "روحانیون منهای امام" به هیچ وجه قدرت بسیج سابق را ندارند. "حزب جمهوری اسلامی" چنان به قهقرا رفته است که گویی نفس های آخر را می کشد. این حزب همان حزبی است که سال گذشته در چنین روزهایی "همه کاره مملکت" بود و اکنون چنان ورشکسته است که تنها مرتجع ترین مرتجعین را حول و حوش خود دارد. مرتجعینی که چنان کوردل و تاریک اندیش اند که حاضر نیستند گامی از قرون وسطی فراتر نهند. مرتجعینی که هر چیز کهنه را، هر عتیقه را با تمام وجود عزیز می دارند. اینان که سرسختانه فکرمی کنند پیرو سیاست نه شرقی نه غربی هستند، در خیال خود همانقدر از امپریالیسم متنفرند که از کمونیسم نفرت دارند. ولی وقتی اینان می خواهند آن را پیاده کنند، یا فقط "نه غربی" یعنی صدامیریالیستی از آب درمی آید یا فقط "نه شرقی" یعنی ضد کمونیستی. اینان همیشه پیش خود فکرمی کنند می توانند بقیه در صفحه ۲

چه دست هایی باندهای سپاه را رهبری میکنند؟

یورش به اجتماعات و راهپیمایی های
نیروهای انقلابی زمینه سرکوب خلق است

یورش به راهپیمایی ها و اجتماعات نیروهای ترقیحخواه و ضد امپریالیست که به مناسبت سالگرد قیام، سالروز حماسه سپاهکل و در اعتراض به دومرحله ای کردن انتخابات برگزار شده اند، موج تازه ای از خشم و نفرت مردم را در پی داشته است. پس از هجوم به ترکمن صحرا، پس از به خون کشیدن راهپیمایی مردم بروجرد، در عتد شهرمازندران، از حمله قائم شهروگران، به صفوف تظاهرکنندگان حمله کردند. شدت درگیری به اندازه ای بود که صداهات محروح شدند و عده ای نیز به شهادت رسیدند در شیراز نیز حزب الله گویان به صفوف تظاهرکنندگان حمله کردند و تعداد بقیه در صفحه ۲

در این شماره:

این اسناد مشت محکمی است بر دهان یاوه گویان و عوامفریبان

زمسداران ترکمن صحرا کانون فرهنگی سیاسی و ستاد توراها را سرسخت ترین دشمن خود بینند و سپاه پاسداران و شخص رئیس جمهور آجا را لانه فساد نامیده اند در صفحه ۷

توطئه های شورای انقلاب را در مسلح کردن سران عشایر و خان ها افشا می کند در صفحه ۱۱

سه تاکتیک برخورد با خرده بورژوازی در صفحه ۹

۵۵ روز در بازداشت پاسداران انقلاب اسلامی در گنبد (مسئودم) در صفحه ۸

قانون کار

باید توسط نمایندگان کارگران نوشته شود

قانون کار چیست؟ در یک نظام سرمایه داری بیان حقوقی روابط فی مابین سرمایه داران و کارگران، بیان حقوقی سلطه و بهره کشی و حشایش سرمایه داران از کارگران و زحمتکشان، قانون کار نام دارد قوانین بطور کلی و قانون کار بطور خاص در یک جامعه سرمایه داری مناسبات سرمایه دار و زمین داران بزرگ با طبقات زحمتکش و محروم وجود دارد، به سود اولی ها بطور قانونی تثبیت می کند و بقیه در صفحه ۴

در انتخابات مجلس از کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پشتیبانی کنیم

چه دست‌هایی باندهای سیاه را رهبری میکنند . . .

بقیه از صفحه ۱

نقاط، قاطعانه محکوم می‌کند و مردم آگاه و مبارز میهن را به دفاع از حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی فرا می‌خواند و هوشیاری و اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست را در مقابلها تهاجم امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار ایران خواستار است.

نظر دارند که آیا در کردار در صف توده‌های مردم و نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست قرار می‌گیرند، یا نه؟ سازمان ما، با ابراز انزجار از سرکوبگران و حامیان آنان در هر مقام و لباس که هستند، حمله به راهپیمایی‌های مجاهدین خلق ایران را در قائم شهر، گرگان، شیراز و دیگر

است، سیاست رئیس‌جمهور تاکنون سیاست پشتیبانی و تشویق سرکوبگران و تهمت و افترا به انقلابیون و نیروهای ترقیخواه و سرکوب خلق ترکمن بوده است. مردم ما دیگر آموخته‌اند که شخصیت‌ها و احزاب را در عمل بیارمایند، آنها با دقت و هوشیاری مدعیان دفاع از انقلاب و منافع مردم را زیر

آتش مسلسل می‌کشایند که از آن جمله تهاجم مسلحانه آنها به خانواده رفیق شهید، چریک فدائی خلق، زبیرم می‌باشد. در مقابل تهاجمات آشکار این باندها که ارتباطشان با پاره‌های از مقامات مسئول در شورای انقلاب، دولت، سپاه پاسداران، ارتش و بخش‌هایی از روحانیت محرز و مسجل

زیادی را مصدوم و مجروح ساختند. علاوه بر این در پاره‌های از شهرها، مراکز سازمان‌های ترقیخواه را مورد تهاجم قرار دادند و آنها را به آتش کشیدند.

همه این تهاجمات و ابعاد عظیم و فاجعه‌بارتر آن همچون کشتار خلق ترکمن و چهار تن از فدائیان خلق، توماج، واحدی، مختوم و جرجانی بیانگر ندادن سیاست سرکوب خلقهای ایران و نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست در میهن ماست.

این تهاجمات و تالان‌ها که توسط جناح‌هایی از حاکمیت کمونی طراحی و به اجرا درمی‌آید اینک به صورت خطری بزرگ در راه مبارزات ضدامپریالیستی توده‌های زحمتکش میهن جلوه‌گر شده است که اگر با مقاومت یکپارچه مردم و نیروهای انقلابی روبرو نشود به سیاست سرکوب خلقها منجر خواهد شد.

هم‌اینک سرکوب انقلابیون و کشتار خلق ترکمن در ابعادی به مراتب بزرگ‌تر از آن چیزی که انعکاس یافته است، جریان دارد.

در کردستان شواهد و قرائنی وجود دارد که بیانگر تدارک سرکوب همه جانبه خلق کرد و کشتار انقلابیون آن است.

در گیلان شواهد و قرائن فراوانی که حکایت از توطئه و دسیسه‌های حدیدی می‌کند، دیده می‌شود.

از جمله در بندرانزلی، دستگیری‌ها و بازداشت‌های نیروهای انقلابی و ترقیخواه هر روز ابعاد وسیع‌تری می‌یابد بلندکیش مسئول سپاه پاسداران بندرانزلی که مدارک فراوانی از او در دست است که با حاج‌م‌شاء الله قصاب رئیس سابق کمیته مستقر در سفارت آمریکا ارتباط داشته و کشتار انزلی را به دستور او راه انداخته است همچنان دست‌اندرکار است و این در حالی است که علاوه بر مورد بالا اسنادی دال بر ساواکی بودن وی نیز در دست می‌باشد.

بلندکیش و باندوی، در روز روشن به روی انقلابیون شهر

بنی صدر پروبرانه‌های حزب جمهوری . . .

بقیه از صفحه ۱

نیروهای مسلح پرداخته است. بنی صدر خیلی خوب فهمیده است که چه کاری از عهده سلاح ساخته است. او می‌گوید برای اجرای قانون، اتکای بر سلاح لازم است و برای اتکای به سلاح، نیروی مسلح باید وجود داشته باشد.

از روزی که بنی صدر انتخاب شد تا امروز چندین رژه نظامی صورت گرفته و او در هر سخنرانی نکته‌ای پیرامون ضرورت یک ارتش قوی بر زبان آورده است.

بنی صدر از یک سو می‌خواهد کمونیست‌ها را منفرد و سرکوب کند و از سوی دیگری خواهد خود را از قیود فشارهای مراکز متعدد قدرت و مداخلات روحانیت و در رأس آن "حزب جمهوری اسلامی" رها کند و تاجر فکری آنان را مهار سازد و بالاخره می‌کوشد با احیای و سازماندهی نیروی سرکوب ارتش، چاقوی تیزی برای بریدن احکام ریاست جمهوری تدارک ببیند.

بنی صدر هم درست مثل "حزب جمهوری اسلامی" راه سرکوب خلقها و راه مقابله با کمونیست‌ها را پیش گرفته است. اما سیاست بنی صدر همان سیاست "حزب جمهوری اسلامی" نیست. بنی صدر در عین حال می‌خواهد از طریق جدا کردن نیروهای پیشرو و جلب بخشی از آنان که بیشتر زمینه جلب دارند. با نیروی دیگر مقابله کند نه با دفع همه آنها و این درست یکی از قابل‌توجه‌ترین خط‌فاصل‌هایی است که بین بنی صدر و "حزب جمهوری اسلامی" ترسیم می‌شود.

بنی صدر در اجرای این سیاست تا امروز تا حد زیادی موفق بوده است زیرا عده‌ای از روحانیون صاحب نفوذ هم اخبارا سیاست خود را در برابر کمونیست‌ها خصمانه‌تر و در برابر مجاهدین آشتی‌جویانه‌تر ساخته‌اند.

موقعیت کنونی مجاهدین و ساخت ایدئولوژیک آنان نیز از عوامل بسیار موثری است که در بررسی موضع بنی صدر نسبت به نیروهای مختلف نباید به آن بی‌توجه بود.

اما اکنون مهم‌ترین مسئله روابط بین نیروهای سیاسی مختلف، گسترش زمینه‌هایی است که می‌توانند به اتحاد نیروهای واقعا ضدامپریالیست و انقلابی بیانجامد.

ما کمونیست‌ها که تقویت صف نیروهای واقعا ضد امپریالیست و دمکرات را یکی از مهم‌ترین وظایف خود می‌شماریم، نسبت به سیاست آقای بنی صدر نمی‌توانیم بی‌توجه بمانیم.

ما باید با تاکید روی ضرورت گسترش اتحاد عمل نیروهای انقلابی برای مردم میهن خود توضیح دهیم که چگونه این سیاست می‌کوشد از طریق تشدید فشار روی کمونیست‌ها و قائل شدن برخی امتیازات برای سایر نیروهای مترقی، تکوین جبهه نیروهای ضدامپریالیست و دمکرات را به تاخیر اندازد.

انقلابیون کمونیست و دمکرات‌های انقلابی را نادیده بگیرند. اما برخلاف میل ایشان نیروهای انقلابی با رشدها برق‌آسای خود آنان را به قبول موجودیت خویش وادار ساخته‌اند. کورترین جناح‌های آنان دست به خودکشی سیاسی می‌زنند. ترور رفیق توماج و هم‌زمان و حمله مذبحخانه به اجتماعات و راهپیمایی‌ها از بارزترین نمونه‌های آن است. این برای این تاریک‌اندیشان یک خودکشی واقعی سیاسی است زیرا بیش از همه حقانیت نیروهای پیشرو را به توده‌ها نشان می‌دهد.

اکنون بر ویرانه‌های به‌حاملانده از "حزب جمهوری اسلامی" بنی صدر سر برآورده است. او این واقعیت را درک کرده است که نمی‌توان با بستن چشم‌های خود واقعیات موجود را نادیده گرفت. او برخلاف "حزب جمهوری اسلامی" نمی‌خواهد مثل کبک سر در برف کند. او می‌بیند که اوضاع اقتصادی و بحران سیاسی رو به گسترش است. بنی صدر خوب می‌فهمد که نیروهای انقلابی و پیشرو چه خواهند، چه نخواهد، رشد خواهند کرد. او می‌کوشد در برابر این واقعیت‌ها بهترین سیاست را انتخاب کند. او اکنون در این اندیشه است حال که نمی‌توان به تنهایی یک‌تاز بود، حال که نمی‌توان همه نیروهای انقلابی را نادیده گرفت، یا همه را یکجا کنار گذاشت، پس بهترین سیاست با بخشی از آنان که راحت‌تر می‌توان با آن کنار آمد کنار بیاییم تا بتوانیم دیگری را بهتر منفرد کنیم.

بنی صدر مدعی است در سیاست خارجی هم از تئوری بی‌معنی دشمنی با هر دو اردوگاه سوسیالیستی و امپریالیستی پیروی می‌کند. حال آنکه وقتی او بخواهد در عمل این سیاست را پیاده کند، مجبور است دوستی یا یکی از دو اردوگاه را بپذیرد و موهومات خود را کنار بگذارد.

بنی صدر از آستانه ریاست جمهوری ضمن حملات تنیدی که به کمونیست‌ها و مشخص‌تر بگوئیم به فدائیان و احزاب مترقی کردستان وارد می‌آورد و در برابر آنان از قاطعیت خود سخن می‌گفت، با نیروهای رادیکال مذهبی و به ویژه سازمان مجاهدین خلق ایران، شیوه دیگری پیشه کرد و گهگاه نیز گوشه چشمی به آنان نشان داد. در عین حال بنی صدر در برابر ویرانه‌های "حزب جمهوری اسلامی" و تعبیرات بسیار غلیظ از ولایت فقیه ایستاد و با این شعار که مردم انقلاب کردند که قیم نداشته باشند، با آنان خط و مرز کشید.

مدتی است که دیگر همه می‌دانند که بنی صدر همان شیوه‌ها و همان شگردهای "حزب جمهوری اسلامی" را به کار نمی‌بندد و با شعار اضمحلال تعدد مراکز تصمیم‌گیری می‌کوشد زیر پای خود را سفت کند.

از سوی دیگر بنی صدر تنها خود را به این مانورهای سیاسی بین نیروهای سیاسی محدود نمی‌کند. او قاطعانه و با خطی روشن به سازماندهی و بسیج و یک‌کاسه کردن

بسیج مسلح توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست



باشیوه های آریامهری نمی توان

فاجعه ترور فدائیان خلق را یوده پوشی کرد

تلاش های بی شرمانه ای که از جانب جناح هائی از حاکمیت برای تیرتیر خود و نسبت دادن فاجعه هولناک ترور رهبران مردم ترکمن به گروه های موهوم و جعلی یا همکارى نزدیک روزنامه های رسمی و نیمه رسمی صورت می گیرد، مردم را به یاد فاجعه سینما رکس آبادان انداخته است. که رژیم شاه ترتیب دهنده آن بود اما مدیو جانانه می خواست این جنایت را به گردن دیگران بیندازد.

خبرهای جعلی و مضحکی که برای لووت کردن حماسه شهادت توماج، مختوم، واحدی و جرجانی صورت می گیرد، تنها عمق این جنایت را آشکارتر ساخته و چهره حقیقی تری از این جنایتکاران و رشکسته و رسوا را در پیشگاه خلق های قهرمان ایران به نمایش می گذارد. ما از رئیس جمهوری و روزنامه های رسمی می پرسیم:

چرا گزارشات و اخبار مربوط به این جنایت هولناک که اینک چگونگی آن بر همه مقامات رسمی روشن است یا اصلا چاپ نمی شود و یا بطور جسته و گریخته در لای لای روزنامه گم می شود، اما جعلیات مسخره ای که ساواک نیز جرات جعل آن را نداشت و البته ناآگاه ترین مردم نیز آن را دروغ محض می دانند، بعنوان

ما در فاجعه ترور رهبران خلق ترکمن هم شیوه ترور شهید بیژن جزینی و همزمان را می بینیم و هم توطئه کثیف فاجعه سینما رکس آبادان را، اما از همه نیروهای انقلابی، از همه قضات، و کلا، نویسندگان، خبرنگاران، استادان و معلمان شرافتمند میهن، از همه کسانی که خطر تحکیم دوباره سازمان جنایتکار امنیت و شبکه های جاسوسی سیا را احساس می کنند، مصرا می خواهیم که در افشای ماهیت این جنایت که کاملاً روشن است و ما اسناد آن را در نشریه "کار" فوق العاده های "کار" و اعلامیه های متعدد سازمان انتشار داده و خواهیم داد، همه توان خود را به کار گیرند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
سه شنبه ۷ اسفند ۵۸

شاه ادعا می کرد:

فاجعه سینما رکس آبادان به دست "افراطیون مذهبی" صورت گرفته است.

حالا

با انتشار اطلاعاتی جعلی در مطبوعات ادعا می کنند:

فدائیان دلاور خلق ترکمن، مختوم توماج، واحدی و جرجانی را یک "گروه موهوم تروریستی در زندان جمهوری اسلامی ترور کرده اند!"
مردم قضاوت خواهند کرد

حکومت با دروغ پردازی و تحمیل ...

بقیه از صفحه ۱

گفته تا شاید بتوانند جلسوی تحقیقات وسیع مردم را بگیرند. ۷- آیت الله خلخالسی گفته است که از بازداشت رفقا اطلاعی ندارد. واحتمال می دهد که آنها هنگام درگیری با پاسداران کشته شده اند و جنازه های آنها را فدائیان خلق پس از شکست کامل و عقب نشینی در سر راه انداخته اند.

گفته های خلخالسی که یادآور دروغ های شرم آور وی درباره شهادت رفیق شهید مادکتر رشوند سرداری است، کذب محض است. زیرا اولاً - خود وی هم به فرستاده سازمان گفته است که آنان را به تهران فرستاده است و هم این نکته را در روزنامه کیهان مورخ ۳ بهمن تأیید کرده است و امروز که این جنایت برملا شده است آن را تکذیب می کند.

ثانیاً - اگر مطابق حرف های بی سروته خلخالسی، پاسداران در بین راه درگیر شده باشند چرا بلافاصله خبر این درگیری را انتشار نداده اند و قضیه را پنهان کرده اند. این جنایت قبل از روز سه شنبه ۲۹ بهمن ماه رخ داده است و حال آن که مطبوعات اولین بار خبر آن را روز شنبه ۴ اسفند انتشار داده اند.

همه این حقایق نشان می دهد که مسئولین و فرماندهان اصلی سپاه پاسداران در تهران نیز از طریق ازطراحان این توطئه جنایتکارانه بوده اند که توسط دژ خیما نشان به اجرا گذاشته شده است.

یادآوری می کنیم که تاخیر رئیس جمهور در انجام مناظره تلویزیونی هیچ توجیهی نمی تواند داشته باشد جز آنکه آقای رئیس جمهور پس از فاجعه ترور رفقا یا نباید برخلاف معمول همیشگی اش با صراحت و روشنی حقایق ترور رهبران خلق ترکمن را به مردم بگوید. یا باید حقایق تکان دهنده ای را که افشا شده است کتمان کند و در پیشگاه ۱۰ میلیون نفری که دز شرایط فقدان کاندیداهای سازمان های انقلابی به وی اعتماد کرده و رای داده اند دست در دست جنایتکاران ساواکی بگذارد.

وسخنگوی سپاه پاسداران مدعی شده اند که گویا توماج و هم رزمان به دست گروه های مهاجم شهید شده اند. حال آن که این خبر هم کذب محض است. روزنامه های صبح و عصر روز سه شنبه نیز اطلاعاتی به نام فدائیان خلق ترکمن به چاپ رسانده اند که مسئولیت کشتن چهار نفر از اعضای سازمان را بر عهده گرفته است. این اطلاعات عیبهات ما جعلی و نموده بارزی است از کارهای ساواک منحل. نوع تنظیم متن و تحمیل درج کامل متن اطلاعات عیبهات به مطبوعات نیز وابستگی صادرکنندگان اطلاعات عیبهات را به مقامات و قدرت های رسمی نشان می دهد. چاپ این اطلاعات در مطبوعات خود دلیل دیگری است برای آن که دستگاه جهنمی ساواک را تجدید سازمان کرده اند.

۶- سخنگوی سپاه پاسداران گفته است "پاسدارانی که این عده را به تهران بزرده و بازگردانیده اند خودشان در درگیری های کتبی ادعا که مشخصاً برای سرپوش گذاشتن بر حقایق و محو آثار جنایت عنوان شده است، نیز کذب محض است. زیرا رفقا هر چهار نفر، تا آخرین ساعات روز پنجشنبه ۲۵ بهمن ماه هنوز در تهران تحت بازداشت یکی از مسئولین سپاه پاسداران به نام محسن رفیق دوست بوده اند و پاسدارانی که توماج و هم رزمان را به کتبی بازگردانیده اند بعد از روز جمعه به کتبی رسیده اند حال آن که بعد از کوچ مردم کتبی که طی نیمه شب چهارشنبه صورت گرفت، یعنی از صبح روز چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه به بعد به استناد اخبار روزنامه ها نه ستگری در شهر وجود داشته است و نه کسی از سپاه پاسداران کشته شده است. فیلمی که از وضعیت شهر کتبی در روز جمعه تهیه شده بود و از تلویزیون پخش گردید دلیل دیگری است که در غنوبی سخنگوی سپاه پاسداران را به اثبات می رساند. آن وقت چطور می توانند پاسدارانی که رفقا را روز شنبه ۲۷ به کتبی آورده اند در درگیری هائی که بین روز ۲۱ تا ۲۴ بهمن وجود داشته کشته شده باشند؟ سخنگوی سپاه پاسداران دروغ بی شماری

درگیری ها هیچگونه تعرض و تدافع نظامی از طرف مردم شهر کتبی صورت نگرفته است. فقط سنگرهای سپاه پاسداران در بالای ساختمان حزب توده (ساختمان جعفریای) و در کتج دیوارها و در مقابل ساختمان کانون و دو سنگر آتش دیگر که بالای دو ساختمان در میدان بهار از طرف آخوند صیامی و دیگر مرتجعین برپا شده بود. تنها از روز شنبه ۲۱ بهمن بعد از شلیک سپاه پاسداران به سوی مردم، که با اسلحه کالیبر ۵۵ صورت گرفت، مردم شروع به دفاع از خانه های خود می کنند.

۲- ادعای سخنگوی سپاه پاسداران درباره یرتاب نارنجک از سوی مردم به سوی عده ای که به صف راهپیمایان ۱۹ بهمن حمله می کردند، کذب محض است. صد هانفر از مردم در آنجا حضور داشته و دیده اند که نارنجک در دست کسی منفجر شده است که می خواست آن را به سوی صف راهپیمایان پرتاب کند. صد هانفر خود ناظر صحنه بوده اند و تمام مردم شهر کتبی می دانند که حقیقت چیست؟ این دروغ مدیو جانانه هیچ مشکلی از آقایان حل نخواهد کرد.

۳- آقای رئیس جمهور و سخنگوی سپاه گفته اند که "گروهی" اطلاعاتی صادر کرده اند و مردم را به حمله دعوت کرده اند. این نیز دروغ محض است. اطلاعاتی از جانب سپاه پاسداران گنبد کاووس یا امضای جعلی دادستان انقلاب اسلامی منتشر شده است. این بار خود کارگزاران جمهوری اسلامی ایران رسماً خودشان مردم را دعوت به حمله به تظاهرات کرده اند نه یک گروه سیاسی مخالف.

۴- ادعای به دست آمدن اسناد جاسوسی از ستاد شوراهای دهقانی چنان مضحک است که نیازی به تکذیب ندارد. جاعلین خبر و استادان عوام فریبی چنان در تنگنا قرار گرفته اند که مجبور شده اند رژیم سابق را روسفید کنند. جاعلین این دروغ ها یا بد هر چه سریع تر در محکمه قضاوت خلق ایران به قضاوت کشیده شوند تا مردم بدانند که ماهیت آنان چیست و اسناد ادعائی شان کدام است. ۵- شیخ صادق خلخالسی

سانسور، دروغ و جعل حقایق را افشا کنیم

کارگران کارخانه مینو:

آقای وزیر کار از کدامیک طرفداری میکنید؟

خسروشاهی سرمایه دار معروف

یا کارگران مینو؟

همیشگی در کارخانه جریان دارد و فقط بطور نوبتی عده‌ای از کارگران از هر سالن برای نگهبانی و پاسخ‌گویی به مراجعه‌کنندگان تعیین می‌شدند.

کارگران از درهای ورود و خروج از سالن‌ها و بایگانی‌ها مراقبت می‌کنند و اجازه خروج هیچ‌پرونده‌ای را نمی‌دهند. کارگران از چهارمیدان بازداشتی خواسته‌اند که تا پایان یافتن این مسئله از شرکت خارج نشوند.

در این مدت عوامل کارفرما سعی می‌کنند در بین کارگران تفرقه و دودستگی ایجاد کنند که تاکنون با هوشیاری کارگران نقشه‌های این عوامل مزدور نقش بر آب شده است.

سرمایه‌داران و عوامل آنان از حمایت مقامات رسمی برخوردارند، از کمیته مرکز و منطقه ۹ غرب تهران گرفته تا رئیس جمهور بنی صدر.

وزیر کار هم به حمایت از خسروشاهی‌ها وارد میدان شده و به سرمایه‌داران توصیه می‌کند:

"زیربار زور نروید.!!"
رئیس جمهور بنی صدر هم حرکت کارگران را محکوم کرده و گفته است:

"این عمل باعث می‌شود که کارگران در دیگ کارخانجات نیز دست به چنین اقداماتی بزنند."

حمایت کارخانجات دیگر از این حرکت کارگران مینو چشم‌گیر است. کارگران کارخانه علاءالدین طی یک راهپیمایی با شعارهای:

"کارگران مینو درد شما درد ماست"
"کارگران مینو راه شما راه ماست"

از کارگران مینو اعلام پشتیبانی کرده‌اند.

اطلاعاتی همیستی از بلندگوی کارخانه پخش می‌شود. تاکنون کارخانه‌های دکتر عبیدی، فارماشیمی، علاءالدین، پخش مینو در همدان و چندین کارخانه دیگر از حرکت انقلابی کارگران کارخانه مینو پشتیبانی کرده‌اند.

یک سال پیش شورای کارگری کارخانه مینو، وقتی با کارشناسی‌های مداوم کارفرما خسروشاهی سرمایه دار معروف، خود را مواجه دید، برای درهم شکستن توطئه‌های کارفرما و جلوگیری از تعطیل کارخانه، خواهان شرکت در مدیریت کارخانه شدند.

هیئت مدیره تغییر کرد و ترکیب هیئت مدیره به شکل زیر درآمد:

دو نماینده کارگر، دو نماینده کارفرما و یک ناظم دادستانی کل انقلاب.

پس از چند ماه که از عمر این هیئت می‌گذشت اکثریت نمایندگان کارگران از شورا و هیئت مدیره به علت

کارشناسی‌های کارفرما و حمایت شورای انقلاب و دولت موقت از خسروشاهی استعفا کردند و حتی ناظر دادستانی نیز با دیدن این اوضاع و اینکه شورای انقلاب و وزارت کار از خسروشاهی‌ها پشتیبانی می‌کنند، از هیئت مدیره استعفا کرد و شرکت در مدیریت سرمایه‌داران وابسته را بی نتیجه اعلام کرد.

روز دوشنبه ۲۹ بهمن کارفرمایان پس از مدت‌ها به کارخانه مراجعه کردند. کارگران نیز وقتی از ورود علی و جلیل خسروشاهی اطلاع یافتند، در دفتر و حضور یافتند و خواسته‌های خود را به شرح زیر مطرح ساختند:

۱- ملی شدن کارخانه.
۲- پرداخت سود ویژه واقعی سال ۵۸.

۳- پرداخت عیدی معادل دریافتی کارکنان دولت.

۴- پرداخت ۱۱ میلیون تومان باقیمانده سود سال ۵۷ خسروشاهی‌ها، کارگران را تهدید کرده و به خواسته‌های برخی آنان پاسخ منفی دادند. کارگران مبارز کارخانه مینو نیز تارسیدن به یک نتیجه قطعی از خروج سرمایه‌داران جلوگیری کرده و خواسته‌های خود را طی نامه‌های متعدد به تمام ارگان‌های مملکت اعلام کردند و خواستار رسیدگی به وضع این کارخانه شدند.

در حال حاضر کار طبق روال

قانون کار باید توسط نمایندگان کارگران نوشته شود

بقیه از صفحه ۱
شرکت نمایندگان واقعی کارگران تدوین شود. کارگران یک صدابرایین عقیده‌اند که قانون کار جدید باید تنها توسط نمایندگان واقعی آنها نوشته شود. کارگران می‌دانند که تحقق این خواست تا چنانچه اندازه درزندی و مبارزه و آینده آنها نقش خواهد داشت.

کارگران نه بر این یا آن جزء از قانون کار، بلکه بر کل قانون

چنین تبلیغ می‌کند که قانون کار را برای تامین منافع کارگران نوشته است، در حالیکه کارگران می‌دانند سرمایه‌داران و سیاستمداران و نمایندگان آنها هیچ وقت به سود طبقه کارگر قانونی را به تصویب نمی‌رسانند مگر آنکه مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان تصویب چنین قانونی را به آنها تحمیل کرده باشند.

طبقه سرمایه‌دار و دولت

به آن مشروعیت و رسمیت می‌بخشد. قانون کار "محصول ضروری صنعت بزرگ است" و از سوی دیگر محصول مبارزه طبقاتی، محصول سطح مبارزه جوئی طبقه کارگر و میزان آگاهی و تشکل آن است. مبارزات کارگران، سرمایه‌داران را وادار می‌کند که عقب نشینی کنند، امتیازاتی به کارگران بدهند و تن به اصلاحاتی در قانون کار بپسارند.

اما با این همه سرمایه‌داران با تمام قوا می‌کوشند آن بخش از قوانینی را که کارگران در جریان مبارزه به سود خود به تدوین رسانده‌اند، زیرپا بگذارند تا آنجا که می‌توانند از اجرای آن جلوگیری به عمل آورند و این بخش از قوانین را تا نوشته‌های بی‌بو و بی‌خاصیتی بر روی کاغذ تنزل دهند.

اینها حقایقی است که طبقه کارگر ایران، این محروم‌ترین طبقه جامعه ما، آنها را با

* یکی از دستاوردهای طبقه کارگر ایران قبولانیدن تغییر قانون کار سابق و تدوین قانون کار جدید است. اکنون کارگران خواستار آنند که قانون کار جدید با نظر و شرکت نمایندگان واقعی آنها تدوین شود.

کار سابق اعتراض دارند و آنرا نمی‌پذیرند.

طبقه سرمایه‌دار، شورای انقلاب و دولت جمهوری اسلامی می‌کوشد خواست کارگران را تا حد اصلاحاتی در قانون کار تنزل دهد. این را کارگران آگاه، مبارز و پیشرو درک می‌کنند و تا به آخر در راه خنثی کردن این اقدام ضد کارگری مبارزه خواهند کرد.

اکنون کارگران میهن ما، مصمم‌اند نه تنها "قانون کار جدید" را با نظر نمایندگان واقعی خود به تصویب برسانند بلکه خواهان آنند که شورای کارگری و نمایندگان منتخب آنان برای اجرای این قانون نظارت داشته باشند و تضمین‌های لازم برای اجرای آن به عمل آید.

آنها می‌گویند باید "شورای عالی" متشکل از نمایندگان واقعی کارگران تشکیل شود و بر اجرای صحیح "قانون کار جدید" نظارت داشته باشد.

سازمان ما، همگام با طبقه کارگر ایران، از تمام کارگران پیشرو و سازمان‌های انقلابی و ترقیخواه می‌خواهد که از طبقه کارگر ایران در راه تحقق این خواست پشتیبانی کنند و از هیچ کوششی در افشای دشمنان طبقه کارگر که در جهت تحقق این خواست کارگران سگاندازی می‌کنند، کوتاهی نکنند.

آن همیشه چنین تبلیغ می‌کند که قوانین چیزی مقدس، الهی و غیرقابل تغییر است، آنان می‌کوشند با زنجیر قانون، کارگران، دهقانان و زحمتکشان را به بند کشند و در اسارت سرمایه‌داری نگه دارند.

آنها رعایت قوانین سرمایه‌داری را از این روتبلیغ می‌کنند تا سلطه و بهره‌کشی طبقه سرمایه‌دار را از هرگونه تعرضی محفوظ نگه دارند.

ایجاد ترس و رعب از سربچی قانون، وسیله‌ای است در دست طبقه سرمایه‌دار و دولت آن تا فرمانروائی سرمایه‌داران را بر کارگران مستحکم تر سازد.

همه می‌دانیم که طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما، در درهم شکستن نظام شاهنشاهی نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند و نیز همه می‌دانیم که به علت آنکه طبقه کارگر ایران، سازمان سیاسی خاص خود را نداشته، نتوانست سهم شایسته خود را به دست آورد. دیدیم که چگونه از فردای قیام یکی پس از دیگری دستاوردهای او را از چنگش بدر آوردند و هم‌اینک نیز تمام تلاش‌ها در این مسیر جریان دارد.

یکی از دستاوردهای طبقه کارگر ایران، در جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک اخیر قبولانیدن تغییر قانون کار سابق و تدوین قانون کار جدید است. اکنون طبقه کارگر ایران خواستار آن است که قانون کار جدیدی با نظر و

* کارگران می‌دانند که سرمایه‌داران و سیاستمداران و نمایندگان آنها هیچ وقت به سود طبقه کارگر، قانونی را به تصویب نمی‌رسانند.

گوشت و پوست خود تجربه کرده است. بهره‌کشی وحشیانه ستمگری و سلب کوچک‌ترین و ابتدائی‌ترین حقوق (اخراج بدون دلیل طبق ماده ۳۲ قانون انضباط کار . . .)، زورگویی و اجحاف به بدترین شکل ممکن سرکوب به وحشیانه‌ترین صورت و نادیده گرفتن حقوق طبقه کارگر در ایجاد سازمان‌ها و تشکیلات صنفی و سیاسی خاص خود همه نمونه‌هایی است که قوانین کار موجود به شکل‌های مختلف بر آن صحنه می‌گذارد. حکومت طبقه سرمایه‌دار، همیشه کوشش می‌کند که به طبقه کارگر، به دهقانان و به همه زحمتکشان چنین تلقین کند که قوانینی را که خود او وضع می‌کند، بهترین قانون‌ها و به سود همه طبقات است. او



مبارزات کارگران شهرداری بندرعباس

موضوع باعث اعتراض مجدد کارگران می شود. شهردار و ایادی او کارگران را تهدید می کنند و ۱۳ نفر از نمایندگان کارگران را در شهرک شغو بازداشت می کنند. کارگران روز سه شنبه ۹ بهمن حدود ساعت ۱۱/۵ اعلام اعتصاب کرده و در شهرداری جمع می شوند و فریاد می زنند: "مرگ بر شهردار" شهردار می کوشد فرار کند ولی کارگران با هوشیاری متوجه او می شوند و راه فرارش را می بندند و در محل سه گروگان می گیرند. کارگران می گویند: "تا نماینده ما آزاد نشود، شهردار را آزاد نخواهیم کرد و ۱۲۰ ساعت اضافه کاری و مابه التفاوت را از شهرداری خواهیم گرفت."

در همین روز هیئت سی از وزارت کشور وارد استانداری می شود. استاندار در حضور هیئت به کارگران نامه ای می دهد که اضافه کاری و حق جمعه کاری به آنها پرداخت نماید و شکایت از نماینده کارگران را پس بگیرد و از این پس هیچ کارگری یا نماینده ای را به دادگاه احضار نکند و افراد غیر مسئول (حدود ۱۲ نفر) از تاریخ نهم دیماه دیگر هیچ سمتی نداشته باشند. به این ترتیب اعتصاب عصر روز یکشنبه پایان می یابد. در روزهای بعد شهردار فقط تعدادی از این افراد رایه قسمت های دیگر منتقل می کند و خود به تهران می رود. پس از بازگشت به کارگران می گوید که گفتم مابه التفاوت حقوقتان را بپردازند و در مورد اضافه کاری هم بیش از ۸۰ ساعت نمی دهم و از جمعه کاری هم خبری نیست. این

شدند و معاون اداری و مالی کارگران حاضر شد و کوشید آنان را فریب دهد. کارگران هورامی کشند و با فریاد مانع حرف زدن او می شوند. در این هنگام استاندار و شهردار شروع به صحبت می کنند که کارگران مانع می شوند. در همین موقع حدود ۲۰۰ نفر از اهالی محله های شهرک دوهزاروپانصد و اطراف یادبود، که اکثر زن بودند، داخل استانداری شدند و یکر است به اتاق معاون استانداری می روند و او را بیرون می کشند و می گویند: "ما طرف کارگرهای شهرداری هستیم خانه هایمان را آب گرفته است. شما کانالها را نیمه کاره گذاشته اید پولها را خورده اید و به حقوق کارگران رسیدگی نمی کنید. شما عوض اینکه این کارها را بکنید فقط می دزدید و می خورید."

در آن سامی ۷ نفر از نمایندگان کارگران نوشته شده و به دادگاه انقلاب فرستاده بودند. اعتراض داشتند. از طرف شهربانی چند پاسبان و معاون شهربانی به محل می آیند و جلو در ورودی شهرداری را می گیرند و از آمدورفت ارباب رجوع و اشخاص متفرقه جلوگیری می کنند. کارگران جلو استانداری جمع می شوند و از رفتن استاندار و معاون اداری و مالی و معاون سیاسی و شهردار جلوگیری می کنند. به این ترتیب تا نزدیک غروب این اعتراضات ادامه دارد. حدود ساعت ۶ شهرداری خواهد از پراکندگی کارگران استفاده کند و آهسته از استانداری بگیرد. کارگران متوجه می شوند. بطرف آنها هجوم می برند، شهردار فرار می کند. روز بعد در حالیکه باران به شدت می بارید، کارگران بازم جلو در استانداری جمع

صبح روز شنبه هشتم دیماه کارگران شهرداری بندرعباس که حدود ۷۰۰ نفر می باشند، برای اعتراض به بخشنامه وزارت کشور در شهرداری اجتماع می کنند. وزارت کشور جمهوری اسلامی در این بخشنامه کارگران را از حق استفاده از ۱۲۰ ساعت اضافه کاری و نیز اضافه کاری روزهای تعطیل باز می داشت. کارگران می دانستند که اگر اضافه کاری و جمعه کاری به آنها پرداخت نشود، با توجه به کسر مالیات و بیمه با این گرانی سرسام آور نمی توانند زندگیشان را بگذرانند. آنها یک صد فریاد می زدند: "یا مرگ یا حق" بعلاوه کارگران خواستار آن بودند که عناصر غیر مسئول که از طرف کمیته در شهرداری مشغول کار هستند و هیچ نوع سمتی از نظر اداری ندارند، تصفیه شوند و نیز به نامهای که

کمکهای مالی دریافت شده

الف	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	ل	م	ن
۱۵۷۷۷	۵۱۱۸	۲۸۵۱۷	۵۱۱۱	۲۴۸۵	۲۵۸۲	۲۷۱۹	۱۱۹۲	۱۱۹۹۵	۲۵۹۹۵	۲۱۰۲	۲۱۰۲	۲۱۰۲	۲۱۰۲
۱۰۷۱۶	۲۲۰۱	۲۰۱۲۷	۲۴۸۵	۱۵۵۷۵	۱۱۲۷	۱۱۲۷	۱۱۲۷	۱۱۲۷	۱۱۲۷	۱۱۲۷	۱۱۲۷	۱۱۲۷	۱۱۲۷
۳۰۶۹۲	۲۲۰۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱
۳۲۳۱	۲۲۲۲	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱
۱۰۰۰	۲۲۲۲	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱
۸۰۷	۲۲۲۲	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱
۲۰۲۵۶	۱۱۶۰۰	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱	۲۵۴۱
۱۳۲۴	۷۵۴۲۴	۱۲۰۰۰	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱
۱۰۸۸۸	۱۵۱۵۰	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱
۴۰۵۰	۲۰۱۳	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱
۱۰۱۶۵	۱۲۸۰۹	۱۰۱۰۱	۱۰۱۰۱	۱۰۱۰۱	۱۰۱۰۱	۱۰۱۰۱	۱۰۱۰۱	۱۰۱۰۱	۱۰۱۰۱	۱۰۱۰۱	۱۰۱۰۱	۱۰۱۰۱	۱۰۱۰۱
۲۹۷۲	۱۵۶۶۶	۷۴۲۴	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱
۵۹۱۱	۱۰۷۴۶	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱
بدون حرف اول نام	۲۵۹۶	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱	۲۴۲۱
۱۰۱۰۷	۲۲۰۰	۱۰۹۷۶	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰
۱۸۲۲	۵۲۹۴	۲۰۸۱	۵۹۹۹	۵۹۹۹	۵۹۹۹	۵۹۹۹	۵۹۹۹	۵۹۹۹	۵۹۹۹	۵۹۹۹	۵۹۹۹	۵۹۹۹	۵۹۹۹
۵۱۲۳۴	۵۷۲۳	۵۱۰۰	۱۴۶۲۸	۱۴۶۲۸	۱۴۶۲۸	۱۴۶۲۸	۱۴۶۲۸	۱۴۶۲۸	۱۴۶۲۸	۱۴۶۲۸	۱۴۶۲۸	۱۴۶۲۸	۱۴۶۲۸
۱۰۱۲۳	۲۱۱۹	۲۰۳۰۹	۳۷۹۹	۳۷۹۹	۳۷۹۹	۳۷۹۹	۳۷۹۹	۳۷۹۹	۳۷۹۹	۳۷۹۹	۳۷۹۹	۳۷۹۹	۳۷۹۹
۲۱۷۱	۱۷۰۰	۳۳۰۰	۱۲۲۲	۱۲۲۲	۱۲۲۲	۱۲۲۲	۱۲۲۲	۱۲۲۲	۱۲۲۲	۱۲۲۲	۱۲۲۲	۱۲۲۲	۱۲۲۲
۳۰۸۶۰	۱۱۲۲	۲۳۰۰	۱۰۱۲۴	۱۰۱۲۴	۱۰۱۲۴	۱۰۱۲۴	۱۰۱۲۴	۱۰۱۲۴	۱۰۱۲۴	۱۰۱۲۴	۱۰۱۲۴	۱۰۱۲۴	۱۰۱۲۴
۱۵۱۰۲	۱۰۱۵۰	۲۳۰۰	۱۷۱۲	۱۷۱۲	۱۷۱۲	۱۷۱۲	۱۷۱۲	۱۷۱۲	۱۷۱۲	۱۷۱۲	۱۷۱۲	۱۷۱۲	۱۷۱۲
۱۰۱۹۸	۲۲۲۰	۲۳۰۰	۵۱۱۱	۵۱۱۱	۵۱۱۱	۵۱۱۱	۵۱۱۱	۵۱۱۱	۵۱۱۱	۵۱۱۱	۵۱۱۱	۵۱۱۱	۵۱۱۱
۱۳۳۷۱	۵۰۲۳۳	۲۳۰۰	۱۱۱۶۵	۱۱۱۶۵	۱۱۱۶۵	۱۱۱۶۵	۱۱۱۶۵	۱۱۱۶۵	۱۱۱۶۵	۱۱۱۶۵	۱۱۱۶۵	۱۱۱۶۵	۱۱۱۶۵

شورای شرکت صنعتی آژور

بانروی اتحاد کارگران کنترل کارخانه را بدست گرفتند

مبارزات آنان باشد. این شورا تاکنون به پیروزی های زیر دست یافته است:
۱- شورا اعلام کرد که کارفرما به هیچ وجه حق خروج کالا های تولیدی یا مواد اولیه را ندارد. توسل کارفرما به کمیته مستقر در شاه آباد و به دنبال آن به وزارت کار به نتیجه نرسید زیر کارگران با اتحاد و تشکل خود این مانع را موقتاً بر طرف ساختند.
۲- شورای کارخانه در تاریخ ۱۳ بهمن قطعنامه های صادر نموده و طی آن اعلام داشت "جهت احقاق خواسته های طبیعی و به حق خود راهی حزمه سازه نمی شناسد و خواسته های خود را در این مرحله از طریق این قطعنامه که مورد پشتیبانی همه

این شرکت، واقع در جاده قدیم کرج در سال ۱۳۴۵ تاسیس شده و محصولات آن اجاق گاز پلویز و بخاری است. ۱۰۰۰ کارگر در این شرکت به کار اشتغال دارند. کارفرمای کارخانه به نام جلیلی بعد از قیام بطور مرتب شروع به ایذاء و اذیت هر چه بیشتر کارگران نموده و در نهایت سعی داشت با فروش دستگاه های کارخانه مانند کوره پیرس، تولید را بخواهاند. کارفرما برای پیشبرد هدف های خود بطور مداوم دست به اخراج کارگران آگاه و مبارز می زد. کارگران برای مقابله با اقدامات ضد کارگری کارفرما، ابتدا شورای جدیدی تشکیل دادند که قادر به هدایت

سترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه میکنند

طبق این سند

سپاه پاسداران از قبل قصد حمله به راهپیمائی مردم گنبد را داشته است

● نمونه‌ای از دروغ پردازی های روزنامه انقلاب اسلامی
● از تهران به سپاه پاسداران گنبد تلفنگرام شده بود که راهپیمائی فدائیان را برهم بزنند

کشتار فحیح انقلابیون گنبد یکبار دیگر برده‌ها را به کنار زد و چهره واقعی تری از جناح‌های حاکم در جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت.

رئیس جمهور و روزنامه او که آشکارا با به اصطلاح "قاطعیت" با خلق ترکمن و انقلابیون به دشمنی می‌پردازد از همان آغاز به تخریب حقایق پرداخت. از حمله این روزنامه (روزنامه انقلاب اسلامی) روز شنبه ۵ بهمن ۵۸، ضمن گزارش اخبار تحریف شده‌ای از درگیری‌های گنبد می‌نویسد:

"در پی این حوادث اطلاعاتی از سوی سپاه پاسداران به شرح زیر منتشر شد بدین وسیله به اطلاع می‌رساند که انجام هرگونه راهپیمائی توطئه‌آمیز از نظر سپاه پاسداران انقلاب و دادستانی محکوم بوده....."

روزنامه اینطور القا می‌کند که گویا اطلاعاتی پس از درگیری‌های گنبد صادر شده است در حالیکه

سند زیر عکس آن را به اثبات می‌رساند:

چنانچه از سند برمی‌آید اطلاعات سپاه پاسداران در تاریخ ۱۸ بهمن ۵۸ صادر شده است نه بعد از درگیری‌ها.

این سند نشان می‌دهد که چگونه فرماندهی سپاه پاسداران و محافل ارتجاعی درون آن از قبل درصدد جنگ افروزی در گنبد بوده‌اند اطلاعات موجود گواهی می‌دهد که نقشه حمله به راهپیمائی فدائیان از مرکز طراحی شده و از قبل تمامی تدارکات لازم به عمل آمده است و روزنامه انقلاب اسلامی نیز به شیوه معمول کوشش کرده است حقایق را از چشم مردم پنهان سازد و زمینه را برای عوام فریبی و ایجاد جو ترکمن و انقلابیون کمونیست فراهم آورد تا با دست بازتری سرکوب "خانه‌خانه" عملی شود.

السلامتیکم ای روز - شنبه ۲۰ بهمن ۵۸

در گیربهای گنبد کاووس ۲۸ زخمی بجا گذاشت

گنبد کاووس در روز صبح درگیری‌های خونین و سراسرنمای برانگیزه بود. این درگیری بدستال اعلام راه پیمائی از طرف ساد ترکمن صحرا در گنبد موقوف بنوست. در درگیری...

توضیحاتی در مورد این سند که در روزنامه انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۸ بهمن ۵۸ درج شده است. این سند نشان می‌دهد که سپاه پاسداران از قبل درصدد جنگ افروزی در گنبد بوده‌اند. اطلاعات موجود گواهی می‌دهد که نقشه حمله به راهپیمائی فدائیان از مرکز طراحی شده و از قبل تمامی تدارکات لازم به عمل آمده است.

قطعنامه راهپیمائی مردم مهاباد به پشتیبانی از خلق ترکمن

خلق قهرمان کرد! مردم مبارز مهاباد!

در مرحله و شرایط کنونی مبارزات ضد امپریالیستی-دمکراتیک خلقهای قهرمان ایران در همه جای ایران توطئه‌ها و دسیسه‌چینی‌های امپریالیسم و سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ را می‌بینیم که به منظور منحرف کردن مبارزات حق طلبانه و انقلابی زحمتکشان و خلقهای ایران تدارک دیده می‌شود.

وظیفه تمامی نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست است که با تمام توان خویش در افشای این توطئه‌ها و خنثی کردن آنها بکوشند. طبقه سرمایه‌دار ایران پایگاه متحد اصلی امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا از تمامی امکانات مادی و معنوی جهت به اجرا درآوردن نقشه‌های ضد خلقی و حنایتکارانه‌شان بهره می‌گیرد.

نمایندگان سیاسی آلمان همدست با فرماندهان مزدور

ارتش ضد خلقی و مرتجعین در جناح پاسداران به خصوص مدتی است که به سازمان دادن مرتجعین فئودال‌ها و خان‌های مناطق مختلف ایران و نیز با تقویت جاش‌ها در کار جنگ افروزی و تحمیل جنگ و خونریزی به زحمتکشان خلقهای قهرمان میهن و ویژه خلق قهرمان کرد و ترکمن می‌باشند. در ترکمن صحرا زمین‌داران و سرمایه‌داران زخم خورده وابسته به دربار منفور، در کردستان فئودال‌ها و خان‌های مرتجع، نوکران و خلقه‌گوشان رژیم شاهسی و همیشه جاش‌ها و متحدین توطئه‌گر محافل و باندهای جنگ افروز وابسته به امپریالیسم هستند.

اینک که خلق قهرمان ترکمن و مردم مبارز کامیاران در مقابل این توطئه‌ها و دسیسه‌چینی‌ها قهرمانانه مقاومت می‌کنند، ما شرکت کنندگان در راهپیمائی امروز ۱ اسفند ۵۸ با نفرت از جنگ

افروزان احساس همبستگی عمیق مبارزاتی با زحمتکشان ایران به ویژه خلق قهرمان ترکمن و مردم مبارز کامیاران اعلام می‌داریم:

- ۱- امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران است.
- ۲- جنگ در ترکمن صحرا توطئه‌ای که از پیش تدارک دیده شده است که علیه منافع زحمتکشان و به نفع تشییع منافع امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته به آن صورت می‌گیرد.
- ۳- ما از مقاومت قهرمانانه زحمتکشان ترکمن صحرا در برابر جنگ افروزان قویا پشتیبانی می‌کنیم.
- ۴- خواهان پایان فوری جنگ در ترکمن صحرا و بازگشت کلیه نیروهای سرکوبگر ارتش و پاسداران به محل اولیه خود هستیم.
- ۵- خواهان آزادی بدون قید و شرط همه زحمتکشان، که

به دست نیروهای سرکوبگر بازداشت شده‌اند هستیم.

- ۶- ما سیاست جنگ افروزی و گسترش جنگ را در کردستان که هم‌اینک با مبارزان و جنگ در کامیاران و محاصره اقتصادی پایه و نوسود همراه است بشدت محکوم می‌نمائیم، از دفاع قهرمانانه پیشمرگ‌های جنیش مقاومت خلق کرد و مقاومت قهرمانانه مردم کامیاران و پایه جدا پشتیبانی می‌کنیم.
- ۷- ما توطئه‌های فرماندهان مزدور ارتش ضد خلقی، تمامی جاش‌ها و مزدوران محلی و هم چنین پاسداران مرتجع را محکوم کرده و آمادگی خود را جهت درهم شکستن این توطئه‌ها و دفاع از دستاوردهای خونین خلقهایمان اعلام می‌کنیم.
- ۸- ما قطع مذاکرات از سوی هیئت ویژه دولت را محکوم کرده و اعلام می‌داریم که برای جلوگیری از جنگی دیگر، آغاز مذاکرات بر مبنای طرح ۲۴ ماده‌ای هیئت نمایندگی خلق

کرد و فقط با هیئت نمایندگی خلق کرد ضروری است. مذاکره با هیچ گروه یا فردی و سر مبنای هر طرحی مغایر با طرح ۲۴ ماده‌ای محکوم به شکست است.

- ۹- ما توطئه‌ها و اقدامات همه نیروهای مزدور قیاده وقت و سپاه‌رزمگاری و دیگر نیروهای وابسته در منطقه که با وجه المصلحت‌قراردادن مصالح و منافع خلق کرد مستقیماً در خدمت امپریالیسم هستند، محکوم کرده و اعلام می‌داریم که این توطئه‌ها و اقداماتشان را درهم خواهیم کوبید.
- ۱۰- ما توطئه‌های محافل وابسته به امپریالیسم را در جهت پیش‌گیری از افشای دوستان و جاسوسان آمریکا و سد کردن مبارزه گسترش یابنده ضد امپریالیستی را محکوم می‌کنیم.
- ۱۱- ما اعلام می‌کنیم در فرستادن نماینده خود به مجلس فعالانه شرکت خواهیم کرد.

هیئت برگزارکننده میتینگ ۵۸/۱۲/۱

از مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرا برای زمین و صلح پشتیبانی کنیم



این اسناد مشت محکمی است بر دهان یاوه‌گویان و عوام‌فریبان

زمینداران ترکمن صحرا کانون فرهنگی سیاسی و ستاد شوراها را سرسخت‌ترین دشمن خود میشناسند و سپاه پاسداران و شخص رئیس‌جمهور آنجا را لانه فساد نامیده‌اند

اعلامیه

جمعیت کردهای مقیم مرکز:

ترور ناجوانمردانه

۴ فرزند مبارز خلق

ستم‌دیده ترکمن را

به دست عوامل

ضد خلقی

محکوم میکنیم

چهارتن از فرزندان راستین خلق ترکمن به نام‌های شیرمحمد درخشنده، توماج، عبدالحکیم مختوم، طوق محمد واحدی و حسین جرحانی در بامداد روزی که جنگ تحمیلی ترکمن صحرا آغاز شد به دست پاسداران گنبد دستگیر و بنا به نوشته مطبوعات کشور به زندان اوین در تهران منتقل شدند. چند روز بعد جسد غرقه به خون این چهار نفر که در یک توطئه خائنه به قتل رسیده بودند در راه گنبد بخورد پیدا شد ترور چهار فرزند مبارز خلق ترکمن ما را به یاد کشتار ۹ نفر از زندانیان سیاسی ایران در تبه‌های اوین به دست جلادان شاه می‌اندازد که امروز باید به عنوان یکی از اسناد عمده جنایت شاه جلاد در محاکمه وی مورد استفاده قرار گیرد.

خلق کرد به حکم سابقه و تجربه سالهاست به این نوع جنایات عوامل امپریالیسم و ارتجاع آشنائی دارد و اطمینان می‌دهیم که همچنانکه عاملین قتل آن ۹ شهید در پیشگاه خلق رسوا شدند این بار نیز حقایق در پیشگاه ملت افشا خواهد شد. با توجه به اینکه به گفته مطبوعات کشور این چهار نفر قبلا در اختیار سپاه پاسداران بوده‌اند بنابراین این سپاه باید اسرار ترور ناجوانمردانه این چهار فرزند خلق ترکمن را برای تمام مردم ایران روشن سازد.

از شخص رئیس جمهوری ایران که به گفته خود خواهان برقراری حکومت قانون و نظم در کشور است، دستگیری و مجازات عاملان این جنایت وحشیانه را خواستاریم.

جمعیت کردهای مقیم مرکز

واحدی را به شهادت رساندند برای آنکه دریابیم آنها در ترکمن صحرا چه می‌کردند اطلاعاتی ستاد مرکزی شوراها و کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن را مرور می‌کنیم.

زمینداران و حامیان آنان را در ارتش، سپاه پاسداران، شورای انقلاب و دولت رسوا می‌کردند. برای اینکه نشان داده شود که چه کسانی با چه اهدافی فدائیان خلق، فرزندان دلاور خلق ترکمن، توماج، مختوم، جرجانی و

دسیسه‌های زمینداران بزرگ روبرو بود. از فردای قیام، ستاد مرکزی شوراها و دهقانان ترکمن صحرا و همه انقلابیون ترکمن صحرا با هشدارهای مکرر، خلق ترکمن را از این توطئه‌ها آگاه می‌ساختند و با افشاگری‌های همه‌جانبه

مبارزات دهقانان ترکمن صحرا علیه زمینداران بزرگ از چندماه قبل از قیام رو به اعتلا نهاد. این مبارزات که با رهبری انقلابیون ترکمن صحرا و کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن سازمان یافته بود از همان آغاز با تلاش‌ها و

از "قطعه‌نامه اجتماع ضد امپریالیستی یکشنبه گنبد"

پرداخته و بدون کوچک‌ترین تردید جهت لغو و افشای کلیه قراردادهای قطع وابستگی اسارت با اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی به آن اقدام گردد.

محکوم می‌کنیم. برای مبارزه‌ای واقعی با امپریالیسم آمریکا و برای قطع کامل نفوذ آن از کشورمان باید با منافع امپریالیسم در تمام زمینه‌ها به مبارزه‌ای پیگیر

کردن هرچه بیشتر آن به سوی امپریالیسم آمریکا قرار گیرد. ما هرگونه کوشش برای منحرف کردن جهت اصلی مبارزه مردم و کشاندن آن به اختلافات درونی و به مسیرهای انحرافی را

در مرحله کنونی امپریالیسم امریکادشمن اصلی خلق قهرمان ماست و تمام کوشش انقلابیون و نیروهای مترقی باید در جهت یکپارچگی و تشکل نیروهای ضد امپریالیست و توده‌ها و متوجه

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن ۵۸/۹/۴

قسمتی از "پیام خلق ترکمن به خلق قهرمان و مبارز ایران"

خلق ترکمن فراهم سازند و در این میان از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. ما اعلام می‌داریم که امنیت منطقه تنها و تنها موقعی برقرار خواهد شد که قاطعانه دست عناصر ضد مردمی زمینداران و غاصبین و وابستگان به رژیم گذشته از زندگی زحمتکشان کوتاه گردیده و دسیسه‌چینی‌های آنان سریعاً خنثی گردد. اعلام می‌داریم که در مقابل توطئه‌های غاصبین و زمینداران بزرگ و تلاش‌های مذبحخانه آنان، خلق ترکمن یکصدا و یکپارچه آماده برای دفاع قاطع از حقوق پامال شده خویش است و خواستهای قانونی و به حق خویش را جزئی از انقلاب ایران دانسته و مصرا و به هر قیمت بر آنها تاکید خواهد داشت.

آموز نظارت دارد؟ آیا نمایندگان امام که برای سرکشی به امور کشاورزی به منطقه آمدند هیچچیزک صلاحیت ندارند؟ آیا نمایندگان مجتمع کشاورزی منطقه گنبد فاق صلاحیت‌اند؟ پس چه کسانی حق اظهار نظر دارند، فقط نمایندگان غاصبین و زمینداران؟ ما به آگاهی همه مردم و مسئولان می‌رسانیم که واقعیات روشن‌تر از آنند که عده‌ای مغرض که به دنبال منافع ناشروع خویشند آنها را کتمان نمایند و هشدار می‌دهیم که غاصبین و زمینداران درصدد جنگا فروزی در منطقه هستند. آنان با نا امن جلوه دادن منطقه سعی می‌کنند که زمینهای برای سرکوب خواست‌های به حق

متقاعد سازند. آنان تبلیغ می‌کنند که زمین‌ها بدون کشت باقی مانده‌است، آنان تبلیغ می‌کنند که کشت روی اصول صحیح انجام نمی‌پذیرد و به هر حال به صور مختلف می‌خواهند غصب زمین‌های زحمتکشان را برحق جلوه دهند. ما می‌گوئیم آیا تا کنون این غاصبین و فرزندان آنها که همه در خارج از کشور به خوشگذرانی و عیاشی مشغول بوده‌اند، زمین‌ها را می‌کاشتند یا دهقانان و زحمتکشان روستاها و کارگران کشاورز؟ ما می‌گوئیم کدام مرجع باید صحیح و اصولی بودن کشت را تشخیص دهد، آیا نمایندگان اداره ترویج که ناظر بر کشت بوده‌اند یا کمیسیون پنچنفری اعزامی از طرف دولت که در منطقه بر

مردم مبارز ایران! روی سختمان با شماست. هم‌اکنون در شرایطی خلق متحد و یکپارچه ایران علیه امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا بپاخاسته‌است. زمانی که روستائیان و زحمتکشان ترکمن صحرا تحت نظارت و مدیریت شوراها و مردمی خویش با جدیت و کوشش به کشت زمین‌های بازپس گرفته شده خود پرداخته‌اند و می‌خواهند با کشتی صحیح و اصولی آنچنان افزایشی در تولید گندم کشورمان ایجاد کنند که مشت محکم بر دهان یاوه‌گویان غاصب بکوبند. آنها می‌خواهند با این قبیل حرکات خود مردم ترکمن صحرا را به جنگی تحمیلی کشانند و از جانب دیگر دولت را به سرکوب خلق ترکمن

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا " ۵۸/۹/۲۵

از "قطعه‌نامه راهپیمائی ضد امپریالیستی ۱۵ دیماه بندر ترکمن"

سنگ اندازی در جهت تضعیف صف خلق را محکوم نموده و آن را خدمت به منافع امپریالیسم می‌دانیم.

طلبانه مردم دلاورمان ضربه وارد آورد، گسترش همکاری و وحدت تمامی نیروهای واقعا ضد امپریالیست ضرورت‌نازهای می‌یابد. لذا هرگونه توطئه و

امپریالیست در جهت خدمت به منافع خلق می‌باشد. در این شرایط حساس که امپریالیسم آمریکا می‌کوشد از طرق مختلف به مبارزات حق

ما خواهان ادامه افشاگری دانشجویان مبارز مستقر در لانه جاسوسی آمریکا هستیم و اعتقاد داریم که افشاگری نیروهای انقلابی و ضد

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

ده روز در بازداشت پاسداران انقلاب اسلامی در گنبد (قسمت دوم)

گفتیم.
همین راهپیمایی که گذاشته‌اید غیرقانونی است. ما دیروز اعلامیه دادیم که این راهپیمایی غیرقانونی است ولی آنها توجه نکردند.

اولاً شما عامل اجرائی هستید و وظیفه شما نیست که در مورد قانونی بودن یا نبودن چیزی تصمیم بگیرید وزارت کشور و فرمانداری باید تصمیم بگیرند که آنها هم اجازه داده بودند. در ثانی اعلامیه شما را من دیشب دیدم برعکس آنچه که می‌گوئید نگفته بود راهپیمایی غیرقانونی است، نوشته بود ما راهپیمایی را به خون می‌کشیم کاملاً تحریک آمیز بود و برخلاف ادعای شما مردم را به درگیری علیه یکدیگر...

که یکباره وضع به هم ریخت. پاسداران به جنب و جوش افتادند. در به سرعت باز شد و او را صدا زدند. او رفت و در پشت سرش قفل شد. ساعت حدود یازده بود. آژیر خطر به صدا درآمد. پاسداران از خوابگاه بیرون ریختند. عده‌ای با عجله کلاه‌های پشمی را از سر برمی‌داشتند و کلاه خودهای جنگی به سر می‌گذاشتند. پاسداران با هراس پشت سنگرها پدیدند و مسلسل‌ها را به دست گرفتند. قلبم به شدت می‌زد. آنچه نباید اتفاق بیافتد اتفاق افتاده بود. یاد بچه‌های کوچکسی افتادم که دیروز از شان عکس می‌انداختم و آنها با چشمهای مشکلی ترکمنی به من می‌خندیدند.

اطاق من در وسط ساختمان کنار انبار مهمات قرار داشت. دو طرف اطاق پنجره‌های بزرگی بود که هم حیاط و درهای ورودی سپاه و هم حیاط پشتی یعنی قسمت پارکینگ به خوبی دیده می‌شد ماشین‌های حیاط پشت باز به حرکت درآمدند. به روی در یک مسلسل سنگین کنار گذاشته شد. فریاد "میریور"، "میریور" در فضای ساختمان طنین انداخت.

"میریور" پاسدار بود و از اطاق مهمات نگهداری می‌کرد پاسداران به طرف او هجوم آورده بودند.

گزارشی که دومین قسمت آن را می‌خوانید، یادداشت‌های یکی از هواداران سازمان است، که در بازداشت پاسداران انقلاب اسلامی بود و ما عین یادداشت‌ها را تماماً به چاپ می‌رسانیم.

پشت پنجره ایستاده بودم و با کنجکاو نگاه می‌کردم. پاسداران خشکیاب و نارنجک و فشنگ می‌خواستند. با عجله فشنگ را از انبار بیرون می‌بردند و داخل ماشین‌های آهرو می‌گذاشتند. به فاصله کوتاهی دهها پاسدار در کنار دیو اهرای ستاد سنگر گرفته بودند و بقیه همراه یا فرمانده از ستاد خارج شدند. من تمام تن گوش شده بودم، آیا واقعا راهپیمایی را به خون می‌کشند؟!

طولی نکشید که در باز شدو پاسداری با لباس پوست پلنگی وارد اطاق شد. قد کوتاهی داشت. دونارنجک به کمر بسته بود و کلاشینکفی به دست داشت و کلت بزرگی را کجکی به کمر خود آویزان کرده بود. نگاهی به من کرد و در گوشه اطاق ایستاد. پشت سر او سه نفر ترکمن را با چشم‌های بسته به اطاق آوردند. پاسدار پوست پلنگی در را بست. کلاشینکف را به طرف ترکمن‌ها گرفت و فریاد زد:

تفنگ آورده بودید جنگ راه بیاندازید. هان؟ پدرتان را درمی‌آورم. اگر تکمان بخورید مغزتان را داغون می‌کنم.

نگاه دیگری به من کرد و از در خارج شد.

ترکمن‌ها که تا آن موقع خیلی گرفته به نظر می‌رسیدند خندیدند و به هم چشمک زدند. کلاه‌های پوستی بر سر داشتند. از قیافه‌شان معلوم بود دهقان هستند. ۵۰ - ۶۰ ساله به نظر می‌رسیدند. یکی از آنها جوان تربود و کمی فارسی می‌دانست. وقتی پاسدار رفت روبه من کرد و گفت:

آقا پاسدار، بخدا دروغ می‌گه. تفنگ کجا بود، از ده آمدمیم. به ما گفتند راهپیمایی به هم خورده است، برگردید بروید سماجت کردیم و گفتیم توی شهر کار داریم، می‌خواهیم چیزیخریم، عصبانی شدن ما رو آوردن اینجا. من خندیدم و گفتم: بابا من پاسدار نیستم،

منهم مثل شما زندانی هستم. آهسته و بانگرانی از من پرسید:

پدائی هستی؟ گفتم: نه، هوادار هستم. یکی از آنها چندبار تکرار کرد، هوادار، هوادار، و با هم خندیدند. اصلاً فارسی بلد نبودند. پرسیدم: راهپیمایی به هم خورد؟ گوئی فقط کلمه راهپیمایی را شنیده بود. گفتم:

با داش یو خور ماح و با دست نشان داد. فهمیدم به راهپیمایی حمله شده است. هنوز صدای تیراندازی نمی‌آمد. نزدیک‌های غروب آن سه نفر را از اطاق خارج کردند دیگر آنها را ندیدم.

ساعت حدود ۱۱ شب بود که در ستاد باز شد و ماشین‌های مینی بوس پر از پاسدار مسلح با کلاه‌های جنگی وارد محوطه شدند. روی یکی از ماشین‌ها نوشته بود. آمل یکی ساری یکی بهشهر، گرگان، شاهسی شاهرود، نوشهرو... خلاصه تا صبح بیش از ۸ مینی بوس وارد شد.

تا صبح نخواهید بودم. کارم شمارش پاسداران بود. دو چهار، هشت، بیست و دو، پنجاه و هشت، یکصد و... و برق سلاح‌هایشان. در میان سلاح‌هایی که به دوش داشتند بیش از همه نارنجک انداز به چشم می‌خورد. بطوری که می‌شد گفت از هره پاسدار یک نفر نارنجک انداز حمل می‌کرد. روی چند ماشینی پشت باز که ته آن پر از جعبه‌های فشنگ بود. خمپاره انداز، و مسلسل‌های کالیبر ۵ نصب شده بود.

تاریک و روشن‌های صبح‌شنبه فرمانده سپاه گنبد، همان کسی که با من صحبت کرده بود، در حیاط پارکینگ پاسداران راه‌صف کرد و برایشان شروع به سخنرانی کرد. من پشت پنجره بودم و حرف‌هایش را می‌شنیدم. بیش از یک ساعت صحبت کرد. باید از تهران دستور برسد دیشب با ابو شریف تماس

گرفته‌ایم. قرار است امروز کسب دستور کنیم. ناگهان از میان پاسداران مهمه برخاست. نیمی از پاسداران زبان به اعتراض گشودند.

تاکی می‌خواهید دره قابل آنها سکوت کنید؟ باید نبودنشان کنیم. با بساطشان را جمع کنیم، باید ستادشان را با خاک یکسان کنیم.

یک پاسدار در حالی که به نارنجک انداز روی دستش اشاره می‌کرد فریاد زد:

فقط اجازه بده. بقیه با خود ما صحبت به هم خورد. همه شلوغ می‌کردند. عده زیادی ساکت بودند و بی تفاوت به اینها نگاه می‌کردند. فرمانده فریاد زد:

ساکت برادران. همه ساکت شدند. فرمانده گفت:

اگر سوالی دارید، بکنید. صداها در هم بود و من سوال‌ها را نشنیدم. تکبیر فرستادند و به طرف ماشین‌ها رفتند. پیشرفت ماشین‌های روی باز سوار شدند و به طرف در ورودی حرکت کردند. دوباره تکبیر فرستادند و دسته جمعی فریاد برآوردند:

امروز به طرف بهشت می‌رویم. فدائی‌ها در بهشت را برای ما باز می‌کنند. آنهارفته بودند. اما صدا همچنان ادامه داشت. دیگر همه چیز برایم روشن شده بود. با آرایشی که اینها برای خود گرفته بودند، جنگ حتمی بود. از نگهبانانی که مزایه دستشویی می‌برد پرسیدم:

بزادر، آیا فکر می‌کنی امروز جنگ می‌شود؟ گفتم:

نمی‌دانم. باید دیوانه باشند که چنین کاری بکنند. گفتم: ولی اینها... شانه‌هایش را بالا انداخت: زیاد مهم نیست. نگران نباش اتفاق نمی‌افتد. ساعت ۱۰ صبح بود، دوباره ستاد شلوغ شد.

پاسدارها به این طرف و آن طرف می‌دویدند. یکی می‌گفت "دستور آمد، می‌کنیم" دیگری می‌گفت:

"امروز فدائی‌کشونه. کانون شوراها را به آتش می‌کشیم، داغونشون می‌کنیم." یکی از پاسدارها داد زد:

دروغ می‌گن. هنوز دستور نرسیده یکی با عصانیت گفت:

گند شود آوردن، یعنی چه؟ اینجا دارن برادران مارو می‌کشن، کسی عین خیالش نیست.

یکی از پاسداران حلو آمد و گفت: بسه برادر، اینقدر زرزرنکن چرادروغ میگی؟ او تا حالا یک تیرهم شلیک نکردن.

اولی اوه، پس اون نارنجک رو کی انداخت؟

دومی - خودت که بهتر میدونی.

اولی بسیار خوب. پس تو از اونا پشتیبانی می‌کنی.

دومی - نه برادر من مسلمونم. مسلمون که دروغ نمیگه.

کار این دو پاسدار به برخورد کشید. عده‌ای خود را قاطعی کردند. بعضی‌ها به هواداری از این و بعضی‌ها به هواداری از آن بحث در گرفت و بالاخره فرمانده دخالت کرد و قضیه را فیصله داد. دوباره سکوت برقرار شد. اما این بار زیاد طول نکشید. حدود ساعت ۱۲ بود که یک بار دیگر نظم پاسداران به هم ریخت.

دستور - دستور آمده، می‌کنیم. نایودشان می‌کنیم.

این بار دیگر مسئله جدی شده بود. صدای میرپور، میرپور (همان نگهبان مهمات خانه کنار من) دوباره توی سالن طنین انداخت. عده‌ای پاسدار جدید از شهرهای مختلف رسیده بودند.

ساعت ۱/۵ بعد از ظهر بود. صدای رگبار مسلسل‌ها و نارنجک اندازها به گوش رسید، پاسداران ذخیره ستاد ایستاده بودند و به صدای رگبار گوش می‌دادند. بعضی‌ها خوشحال بودند و بعضی‌ها با عصانیت راه می‌رفتند و زیر لب فحش می‌دادند.

ادامه دارد

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

سه تاکتیک برخورد با خرده بورژوازی

● آیا تنها نیروهای وابسته به امپریالیسم هستند که سرکوب گردند. مگر در اوج درگیری رژیم "ناصر" کمونیست‌های مصری دسته‌دسته به جوخه اعدام سپرده نمی‌شدند؟

● حزب توده با مطلق کردن خصلت ضد امپریالیستی خرده بورژوازی (قسمت اول) و نادیده گرفتن جنبه‌های واپس‌گرایانه آن، عملاً طبقه کارگر را به دنباله‌روی از خرده بورژوازی ترغیب می‌کند.

درگیری رژیم ناصر در مصر با امپریالیسم، کمونیست‌های مصری دسته دسته به جوخه اعدام سپرده نمی‌شدند؟ سازمان بیکارنیز، نظیر گروه اشرف دهقانی، نفی خصلت ضد امپریالیستی خرده بورژوازی (مرفه) سنتی را از غیرد مکرانیک بودن آن استنتاج می‌کند. "یک نیروی ضد مکرانیک، لزوماً ضد امپریالیست نیست و متقابلاً نیروئی که ضد امپریالیست نیست، خصوصیات د مکرانیک نیز نمی‌تواند داشته باشد. به همین جهت است که امروزه بخش خرده بورژوازی مرفه سنتی هیئت حاکمه، به علت قرار گرفتن در صف ضد انقلاب و خصوصیات شدید ضد مکرانیک آن فاقد هرگونه خصلت ضد امپریالیستی (حتی بطور ناپیگیر) است.

(بیکار، شماره ۲۷، صفحه ۳، پاورقی)

این نظریه نه تنها با مابانی تحلیل مارکسیستی دولت در تضاد است، بلکه با تحریکات تاریخی در مورد رژیم‌های ضد امپریالیست، خوانائشی ندارد. کافی است که عملکرد رژیم‌های ضد امپریالیست در مصر (ناصر) عراق (قاسم)، سوریه، لیبی، اتیوپی و غیره مورد بررسی قرار گیرد. سیاست‌های سرکوبگرانه این رژیم‌ها بطلان چنین نظریه‌ای را نشان می‌دهد.

طبیعی است که به جز پرولتاریا هیچ نیروی اجتماعی دیگری قادر به سرنگون کردن قطعی سرمایه‌داری وابسته و نابودی سلطه امپریالیسم نیست. تمامی تجربیات تاریخی بر این امر گواهی می‌دهد که، برخلاف توهمات رویزیونیستی، خرده بورژوازی در قدرت سرانجام مجبور است که در زیر فشار واقعیات سخت زمینی از اتوپیای واپس‌گرایانه خود دست بردارد. یاد موضع اپوزیسیون رهبری پرولتاریا را بپذیرد و با سربکوب جنبش کارگری در خدمت راه رشد سرمایه‌داری وابسته قرار گیرد. آثار شلیست‌ها تصور می‌کنند که ما "پاک فراموش کرده ایم" که:

"بالاخره و دست آخر، چرخ‌های اقتصاد مملکت به عنوان یک سیستم در جهت منافع کدام طبقه به گردش درمی‌آید و آیا قدرت سیاسی، اقتصاد وابسته به امپریالیسم را تقویت می‌کند و یا در مقابل چنین گردشی ایستادگی می‌نماید. یعنی آنکه بالاخره قدرت سیاسی در دست چه طبقه یا قشری است؟

(همانجا صفحه ۱۴)

چنین تحلیلی با درهم آمیزی راستای تاریخی یک حرکت و این که سرانجام یک رژیم خرده بورژوازی (اگر دولت پرولتاریائی حای آن را نگیرد) مجبور است در خدمت بازسازی سرمایه‌داری وابسته قرار گیرد، بنا تحلیل مشخص از تلاش‌ها و حرکات کنونی این رژیم به نتایج انحرافی و چپ‌روانه‌ای منجر می‌گردد. مثلاً در مصر پیروسه تبدیل رژیم ناصر به رژیم وابسته سادات یک دوران طولانی ۱۸ ساله را طی نمود. و رژیم ناصر "بالاخره و دست آخر" به رژیم وابسته سادات تبدیل شد ولی در عین حال یک سان دانستن این دو رژیم اگر ناشی از عوام‌فریبی نباشد، ناشی از بی‌اطلاعی کامل از ابتدائی ترین بدیهیات است. چرا که رژیم ناصری دورانی از مبارزه ضد امپریالیستی در مصر را رهبری نمود که نتایج آن از مرزهای مصر فراتر رفت و سراسر جهان عرب و شمال آفریقا را تحت تاثیر قرارداد آل‌بته در ایران به علت رشد عمیق سرمایه‌داری وابسته تضادی که امروز بین زیربنای جامعه و روبنای سیاسی آن وجود دارد، می‌بایست بسیار سریعتر از کشورهای نظیر مصر حل شود و تنها پرولتاریا است که می‌تواند با سرنگون ساختن سرمایه‌داری وابسته و نابود کردن سلطه امپریالیسم استقلال و آزادی واقعی و حق تعیین سرنوشت را برای ملت‌های تحت ستم تحقق بخشد و زمینه را برای گذار به سوسیالیسم آماده نماید. اما این مسئله که تحقق آن در یک بعد تاریخی مطرح است، هیچگونه تضادی با این واقعیت که امروز یک جناح از حاکمیت دارای تمایلات ضد امپریالیستی است، ندارد.

ادامه دارد

می‌خواهند که چشم خود را ببندند. در مقابل اپورتونیسیم راست، طیف وسیعی از گروه‌ها و جریان‌های سیاسی قرار دارند که بانفی خصلت ضد امپریالیستی خرده بورژوازی و عدم درک ماهیت دوگانه آن از یک سو و ارزیابی غلط از جناح‌های درونی دستگاه حاکمه از سوی دیگر و بر متن انحرافات عمیق بینشی، با اتخاذ مواضع چپ‌روانه و انحرافی به جنبش کمونیستی آسیب‌های جدی وارد می‌کنند. تروتسکیست‌های رسمی و شرمگین پرولتاریا رانه‌عنوان پیگیرترین دشمن امپریالیسم، بلکه به عنوان تنها طبقه‌ای که دارای ماهیت ضد امپریالیستی است قلمداد کرده و بانفی خصلت ضد امپریالیستی خرده بورژوازی تلاش دارند پرولتاریا را نه تنها از متحدین خود در این مرحله جنبش محروم کنند بلکه می‌کوشند تحت پوشش مبارزه با "ارتجاع"، به مثابه وظیفه عمده کمونیست‌ها پرولتاریای پیشرو را قبل از هر چیز به مبارزه با متحدین پرولتاریا بکشانند. علاوه بر آن برخی جریان‌های مدعی مارکسیسم-لنینیسم نیز در تفسیر پیچیدگی‌های مبارزه اجتماعی کنونی به انواع نظریات غیر مارکسیستی متوسل می‌شوند که تنها توجیه‌کننده تمایلات طبقاتی آنهاست. برخی از اینان در لحظه فعلی که سازمان ما به منظور منفرد ساختن بورژوازی لیبرال آن را زیر ضربات افشاکاری‌های خود قراردادده است، در نقش مدافعین بورژوازی لیبرال ظاهر گشته‌اند که نقد هر یک از این جریان‌ها به دلیل تنوع آن نیازمند فرصتی دیگر است.

از جمله برجسته‌ترین نمونه اپورتونیسیم "چپ" گروه آثار شلیستی اشرف دهقانی است. دیدگاه پوپولیستی و "تمام خلقی" این گروه مانع از آن است که بتواند از مبارزات اجتماعی خرده بورژوازی ارزیابی درستی ارائه نماید. آثار شلیسم ناپخته و ناهنجار این گروه، خرده بورژوازی را آنچنان درهاله تقدس پیچیده است که گویا هرگز دست به سرکوب افشاکاری خلق نخواهد زد، که گویا دارای تمایلات ضد کارگری نیست که گویا هرگز با کمونیست‌ها مبارزه نخواهد کرد. اینان با نادیده گرفتن تجربیات گرانمایه جنبش کمونیستی بین‌المللی عملاً خط فاصل بین پرولتاریا و خرده بورژوازی را مخدوش می‌کنند. از نظر اینان تنها نیروهای وابسته به امپریالیسم دست به کشتار و سرکوب می‌زند و تمامی نیروهای ضد امپریالیست منزه از این آلودگی هستند. این دیدگاه ساده انگارانه پوپولیستی تصور می‌کند که خرده بورژوازی با تفکرات تنگ نظرانه و شوینیستی به میل خود حاضر به رسمیت شناختن حق خود مختاری خلق‌ها خواهد بود، که از پرولتاریا و منافع وی دفاع خواهد کرد، که قادر است د مکراسی واقعی در جامعه رانحقیق بخشد. این دوری از مارکسیسم-لنینیسم و آشفتگی فکری در تفسیر حرکات دستگاه حاکمه به بهترین وجه در این سؤال به چشم می‌خورد:

"اگر این خرده بورژوازی ضد امپریالیست است و روحانیت تنها بر اساس تاثیرات متقابل حرکات ضد امپریالیستی خرده بورژوازی"، "به حرکات و تبلیغات ضد امپریالیستی" دست می‌زند، پس چگونه خلق‌های ایران و منجمله خلق کرد را سرکوب می‌کند؟ منافع یک نیروی ضد امپریالیست چگونه در سرکوبی خلق تامین می‌شود؟ (جزوه "کسانی که مورد خطاب کمیته مرکزی خائن حزب توده قرار گرفته‌اند، چریک‌های فدائی خلق نیستند!" ص ۱۴).

چنین تفکر کودکانه‌ای هرگز قادر نیست بین سیاست پرولتاریا و خرده بورژوازی تمایزی قائل شود. به راستی به جز پرولتاریا کدام قشر یا طبقه اجتماعی قادر به تحقق واقعی حق خود مختاری ملت‌های تحت ستم است؟ بر اساس کدام تجربه تاریخی و تئوری مارکسیستی-لنینیستی می‌توان انتظار داشت که در شرایط کنونی عصر ما و جامعه ما این حق را تامین گردد؟ آیا تنها نیروهای وابسته به امپریالیسم هستند که به عملیات سرکوبگرانه دست می‌زنند؟ مگر در اوج

شناخت ماهیت خرده بورژوازی سنتی امروز به یکی از معضلات جنبش و گره برخورد به دستگاه حاکمه تبدیل شده و عدم درک ماهیت دوگانه خرده بورژوازی موجب بروز موضع‌گیری‌های "چپ" و راست در رابطه با حاکمیت موجود گردیده است. اپورتونیسیم راست با مطلق کردن خصلت ضد امپریالیستی خرده بورژوازی و نادیده گرفتن جنبه‌های واپس‌گرایانه، ضد مکرانیک و ضد کمونیستی آن عملاً طبقه کارگر را به دنباله‌روی از خرده بورژوازی ترغیب نموده و جنبش این طبقه را در مقابل تهاجم بورژوازی لیبرال خلع سلاح می‌نماید و بدینسان آب به آسیاب امپریالیسم می‌ریزد. اپورتونیسیم "چپ" با نادیده گرفتن جنبه ضد امپریالیستی و مطلق کردن جنبه‌های ضد مکرانیک و واپس‌گرایانه آن، حرکات ضد امپریالیستی این قشر را تخطئه نموده و مبارزات اجتماعی آن را به "توطئه" و دسیسه تنزل می‌دهد.

اپورتونیسیم راست عمدتاً می‌کوشد حمایت بدون قید و شرط خود را از حاکمیت در خدمت "راه رشد غیر سرمایه‌داری" به کارگیرد. این جریان در آخرین تحلیل به سازش طبقاتی و وادار کردن طبقه کارگر به دنباله‌روی از خرده بورژوازی و در نهایت به خدمت به بورژوازی - لیبرال می‌رسد.

در مورد "حزب توده" که به برجسته‌ترین نمونه اپورتونیسیم راست به شمار می‌آید. مسئله اشتباه تئوریک مطرح نیست. موضعگیری حزب توده بیش از هر چیز نشان دهنده مشی اپورتونستی این جریان و ماهیت طبقاتی آن است. "حزب توده" با سرپوش گذاشتن بر ناتوانی تاریخی خرده بورژوازی در به سرانجام رسانیدن مبارزه ضد امپریالیستی و نادیده گرفتن جنبه واپس‌گرایانه و سیاست‌های ضد مکرانیک آن و با تفکیک مکانیکی مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه د مکرانیک، مودبانه می‌کوشد از تشکیل صف مستقل پرولتاریا جلوگیری کرده و طبقه کارگر را از رهبری جنبش ضد امپریالیستی - د مکرانیک ایران بازدارد. برخلاف "حزب توده" مارکسیست-لنینیست‌ها بر آنند که تاثیر اقدامات ضد امپریالیستی آن جناح از روحانیت، که در مجموع اهداف و آمال خرده بورژوازی سنتی را نمایندگی می‌کند، بدون نشان دادن ناپیگیری این اقدامات، بدون توضیح ماهیت ضد کمونیستی و سیاست‌های ضد مکرانیک این جناح، نه تنها به پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی یاری نمی‌رسانند، بلکه در تحلیل نهائی تلاش در جهت جلوگیری از صف مستقل پرولتاریا و شکست استراتژیک جنبش خلق به شمار می‌رود.

اما "حزب توده" می‌کوشد تا سیاست دفاع بدون قید و شرط از خرده بورژوازی را به جنبش کمونیستی تحمیل نماید. "حزب توده"، "شگفت زده" می‌شود که چگونه سازمان ما در قطعنامه ۴ آذر ماه، درست پس از نائید اقدامات ضد امپریالیستی یک جناح از روحانیت به افشاکاری در مورد چهره دیگر این جناح پرداخته است:

"شگفت آور است، ولی چریک‌های فدائی، درست پس از نائید اقدامات ضد امپریالیستی روحانیت مبارز و در رأس آن آیت الله خمینی" و درست پس از "اعلام پشتیبانی از آن در برابر دشمن مشترک..." "تلاش‌های مرتجعانه آنان را در زمینه‌های مختلف منجمله مخدوش کردن چهره نیروهای انقلابی مدافع طبقه کارگر و زحمتکشان محکوم" می‌کند! (مردم شماره ۱۰۴، صفحه ۵)

"حزب توده" با وفاحتی نفرت انگیز سؤال می‌کند:

"کدام تمایلات مرتجعانه حاکمیت؟" (همانجا).

این سؤال تنها می‌تواند از جانب کسانی مطرح شود که نه تنها به مارکسیسم-لنینیسم و آرمان پرولتاریا خیانت کرده‌اند و می‌کنند، بلکه چشم خود را بر بدیهی‌ترین واقعیات زنده‌ای که در مقابل ما جریان دارد، نییست بسته‌اند و از انقلابیون کمونیست نیز عاجزانند.

بر خورد قاطع شورای انقلابی کارخانه «ایرفو» با شورای انقلاب اسلامی ایران تجلی قاطعیت طبقه کارگر در مبارزه با طبقه سرمایه دار (قسمت اول)

کارخانه ایرفو در جاده ساوه به آقای بازرگان و دوستان او تعلق دارد. هیئت مدیره و بازرسان این شرکت را در سال ۵۴ مهندس سالور، بازرگان، قلیزاده، مهندس ساعد، دکتر مهدی منظوری، علی غیاشی، عبدالله استیاج و عبدالمجید رضوی تشکیل می دادند. حق اولاد و مسکن را به کارگران پرداخت نمی کردند و حقوق اندک آنان را نیز به

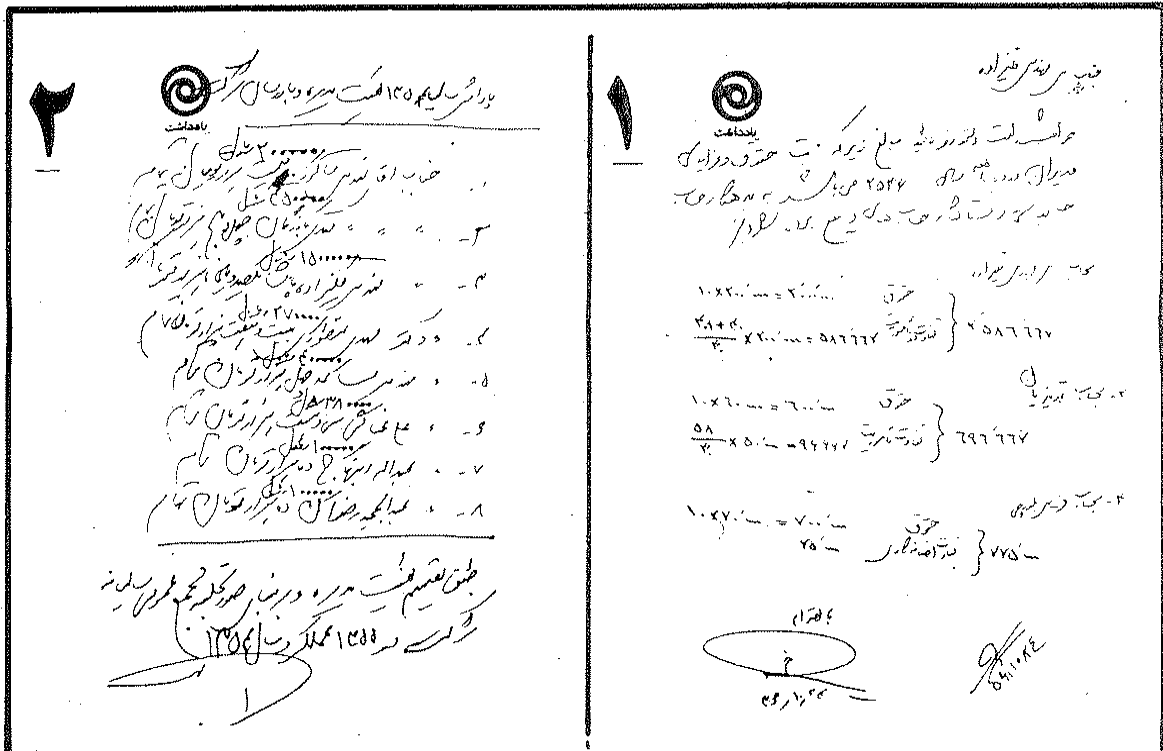
دستگیری به وسیله ساواک را بپذیرند. با وجود این به علت نفوذی که سهام داران شرکت در دستگاه های دولتی از جمله ساواک داشتند، حلوی حرکت کارگران را با تهدید می گرفتند. مثلاً آقای مهندس ساعد که مدیر اداری شرکت بود، در وزارت کار نیز پست حساسی داشت. پس از قیام کارگران طی نامه ای از مدیر عامل شرکت، مهندس قلیزاده (قلی پاشا)

حالی که کارگران زیر فشار زندگی بودند، آقای قلیزاده می گفت: "با حقوق یک ماهتان، دو ماه بسازید." کارگران پس از پشتم - اندازی کارفرما و شورای فرمایشی، روز ۱۴ آذر برای گرفتن حقوق خود دست از کار کشیدند. فردای آن روز اخراج یکی از کارگران مبارز، اعتصاب را به تمام کارخانه گسترش داد. آنها خواست های خود را در ۷ ماده تنظیم و پیساز

شورا موافقت نمود و شورای منتخب کارگران تشکیل شد. تصمیم گرفته شد که فردای آنروز نماینده شورا و مامور کمیته به وزارت کار رفته خواست های کارگران را بگیرد و از آنجا که شورای انقلاب، وزارت کار و کمیته ها، جانب بازرگان و شرکاء را گرفتند، شورا از مراجعه بی حاصل خود به این مراجع به این نتیجه رسید که اداره کارخانه را خود به دست گیرد. شورای کارخانه با ابلاغ دستورات جدید به تمام قسمت ها، خود را تنها مرجع صلاحیت دار در کنترل تولید، فروش محصولات، نظارت بر امور حساب داری، اداری و حفاظتی اعلام نمود و کارکنان بخش نگهبانی که از دستورات سرپیچی کرده بودند، تعویض نموده و بجای آنان دو کارگر را نگهبان کرد. شورا به یکی از خبرچیان کارفرما که بیکار می گشت، پول می گرفت و خبرچینی می کرد. دستور داد خود را به بخش انبار معرفی کند. حسابرسی در انبار مشکل بود. خبرچین مزبور که از پذیرش امر شورا سر باز زده بود، با دستبندی ۸ نفر از عوامل کارفرما در کاخانه علیه شورا طومار جمع کرده و به کمیته ارسال نمود. فردای آن روز شورا در حضور پاسدارانی که مامور رسیدگی به شکایت خبرچین بودند، دادگاهی در کارخانه تشکیل داده و در آن این عده را محاکمه و به اقدام علیه شورای انقلابی کارخانه محکوم نمود. شورا در مقابل تقاضای خبرچینان به دلیل نا آگاهی آنان با گرفتن تعهد آزادشان کرد.

نگیرند. کارگران به شورا اختیار دادند حقوق عقب مانده آنها را برای خرید مواد اولیه به صاحب کارگاه پرس پرداخت کند. مدیر عامل پس از شکست این توطئه، پول شوراران را بانک مسدود کرد. شورا ۲ میلیون تومان فروش خود را طی دو هفته به حساب شرکت تعاونی به بانک واریز کرده بود. رئیس بانک قول داده بود که شورا هر وقت خواست می تواند از طریق رئیس شرکت تعاونی برداشت کند. ولی رئیس بانک در همدستی با مدیر عامل موجودی شوراران را مسدود کرد. کارگران در مقابل این توطئه به شورای انقلاب و وزارت کار شکایت می کنند. شورای کارخانه برنامه خود به شورای انقلاب اعلام کرد. کارگران علی رغم وضع مالی بدی که دارند، حتی اگر لازم شود که حقوق خویش را دریافت نکنند، به مبارزات خود ادامه داده پول خویش را آزاد و خواست های خود را خواهند گرفت.

شورای انقلاب و وزارت کار پس از ملاقات با قلیزاده، مهندس اشتری را به عنوان مدیر عامل جدید به کارخانه می فرستند. شورای کارخانه از حضور اشتری می خواهد که زیر نظر او کار کند. اشتری از شورای کارخانه پذیرش نقش مشورتی و عدم مداخله در مدیریت کارخانه را خواستار می شود. قلیزاده از طریق مدیر عامل جدید، کوشش می کند شورا را تابع خود کند. شورای کارخانه طی نامه ای از شورای انقلاب خواستار مذاکره و رسیدگی شد. جلسهای بین شورای انقلابی کارخانه و شورای انقلاب اسلامی ایران با حضور اشتری تشکیل شد. در این جلسه شورای انقلاب کوشید که نقش شورای کارخانه را زیر نظر اشتری به یک عامل مشورتی تنزل دهد. شورای انقلابی کارخانه به کنترل و اداره امور کارخانه توسط خود تاکید می کند. ادامه دارد



موقع نمی دادند حقوق و مزایای کلانی را به خود اختصاص می دادند. اسناد ۱ و ۲ این مطلب را به روشنی بیان می کند. طبق سند شماره ۱ که در تاریخ دی ماه ۱۳۵۶ صادر شده است، به سه نفر از مدیران شرکت بابت حقوق و مزایای ده ماهه شان مبلغی در حدود ۱/۲۳۳/۰۰۰ تومان داده شده است. سند شماره ۲ نمونه دیگری است. به موجب سند تنظیمی زیر که بر مبنای تصمیم هیئت مدیره شرکت در سال ۱۳۵۵ صادر شده است، افراد بالا بابت فقط پاداش سال ۵۴ در حدود ۲۸۰/۰۰۰ تومان به خود تخصیص داده اند. و این در حالی بود که کارگران برای دریافت حقوق خود مجبور بودند خطر

خواستار اخراج ساعد شدند. پس از اینکه مدیر عامل اقدام می نکرد، کارگران خود اقدام کرده ساعد را از کارخانه بیرون کردند. پس از نخست وزیر شدن بازرگان قلیزاده از طرف نخست وزیر به مدیریت عامل کشت و صنعت کارون منصوب شد و برای کنترل شرکت ایرفو، از طریق عوامل خبرچین خود، شورای فرمایشی کارخانه را برپا کرد. قلیزاده به کمک سه نفر از عوامل خود در شورا موفق شد که دو عضو فعال شورا را که به نفع کارگران اقدام می کردند، بنام کمونیست از کارخانه اخراج کرد. در این فاصله قلیزاده به بهانه اینکه شرکت وضع مالی خوبی ندارد، از پرداخت حقوق و مزایای شغلی به کارگران خودداری می کند و در

ارسال آن به شورای انقلاب، و وزارت کار و کمیته شماره ۱۲ رباط کریم، در کمیته متحصن شدند. خواست های کارگران چنین بود: ۱- پرداخت حقوق به موقع ۲- پرداخت سود ویژه ۳- دادن حق اولاد و مسکن از زمان تصویب قانونی تا عید گذشته ۴- استخدام رسمی کارگران روز مزد با حقوق عادلانه ۵- تعیین مدیر عاملی که در انجام وظیفه اش مستقل باشد و از مدیر عامل سابق (قلیزاده) اطاعت نکند. ۶- تهیه مواد اولیه ۷- انحلال شورای فرمایشی و تشکیل شورای واقعی روز ۱۵ آذر. مامور اعزامی کمیته به شرکت در مقابل مقاومت کارگران با تشکیل

شورای انقلاب و وزارت کار پس از ملاقات با قلیزاده، مهندس اشتری را به عنوان مدیر عامل جدید به کارخانه می فرستند. شورای کارخانه از حضور اشتری می خواهد که زیر نظر او کار کند. اشتری از شورای کارخانه پذیرش نقش مشورتی و عدم مداخله در مدیریت کارخانه را خواستار می شود. قلیزاده از طریق مدیر عامل جدید، کوشش می کند شورا را تابع خود کند. شورای کارخانه طی نامه ای از شورای انقلاب خواستار مذاکره و رسیدگی شد. جلسهای بین شورای انقلابی کارخانه و شورای انقلاب اسلامی ایران با حضور اشتری تشکیل شد. در این جلسه شورای انقلاب کوشید که نقش شورای کارخانه را زیر نظر اشتری به یک عامل مشورتی تنزل دهد. شورای انقلابی کارخانه به کنترل و اداره امور کارخانه توسط خود تاکید می کند. ادامه دارد



نوطه‌های شورای انقلاب را در مسلح کردن سران عشایر و خان‌ها افشای کند

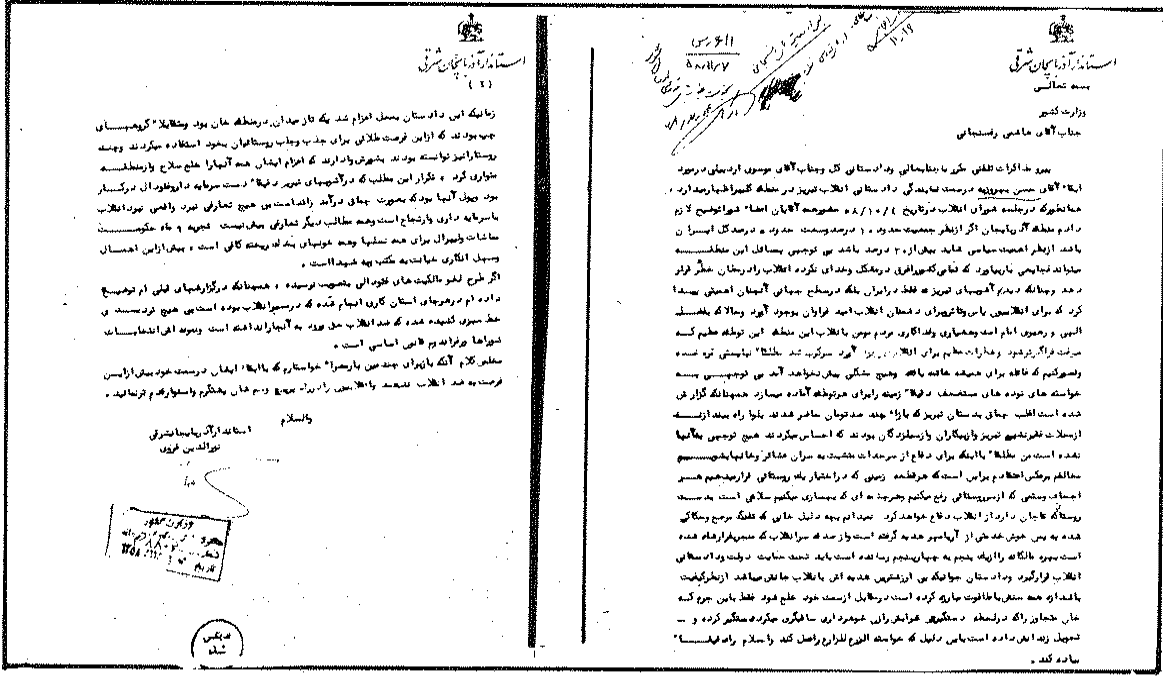
نامه استاندار آذربایجان به وزیر کشور

انگاری کافی است، قاطعانه و به زحمتکشان بدهید تا علیه نظام غارتگران و چیزکی از سرمایه‌داران بگیرید کمونیست‌ها نتوانند مردم را سرمایه‌داری بشورانند.

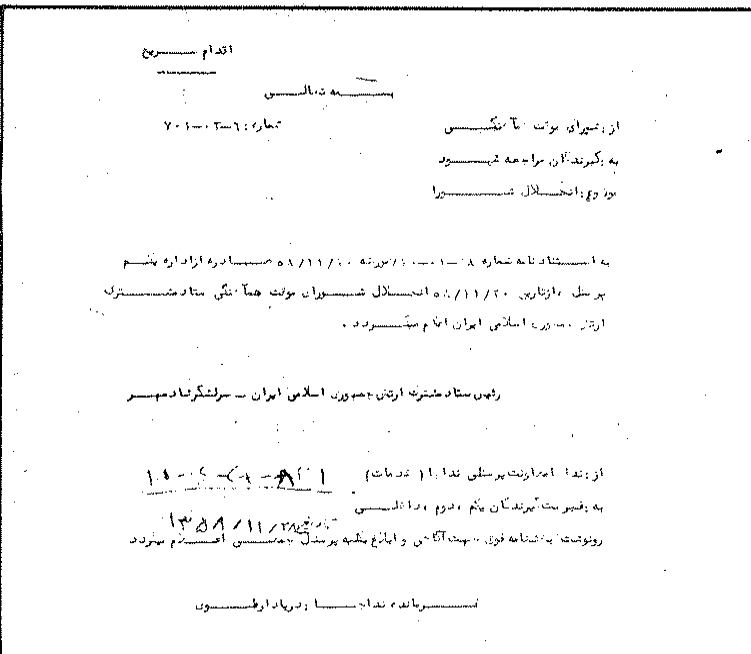
اهمال خود "بیمکتب و بیه شهدا" خیانت می‌کنند. اما استاندار آذربایجان تمام این حرف‌ها را برای این می‌زند و روی آن تاکید می‌کند که فرصت از دست گروه‌های چپ خارج شود.

منظور غروی از نوشتن این نامه در حقیقت توصیه‌ای برای ابقای دادستان کلیر بوده است. اما جالب است که در نامه تاکید می‌کند که اگر اورا به سرکار برنگردانید، "چپ‌ها" از این فرصت طلائی برای دفاع از حقوق مردم استفاده خواهند کرد. او هم مقامات بالا را می‌ترساند که اگر اصلاحات نکنید، کمونیست‌ها انقلاب خواهند کرد.

سندی که در اینجا آورده‌ایم نامهای است که نورالدین غروی استاندار آذربایجان شرقی حدود یک ماه پیش برای هاشمی رفسنجانی فرستاده است. اسن سند نشان می‌دهد که چگونه شورای انقلاب جانب فتوادل‌ها را می‌گیرد و آنان را مسلح می‌کند تا بتوانند از پس دهقانان برآیند ولی در ظاهر می‌گویند برای دفاع از سرحدات این کار را کرده‌اند. غروی در این نامه اعتراض می‌کند که شورای انقلاب تنها در فکر تقسیم زمین بین دهقانان نیست بلکه مشخصا جانب فتوادل‌های خدمتگزار آریامهر را می‌گیرد. او شورای انقلاب را متهم می‌کند که با



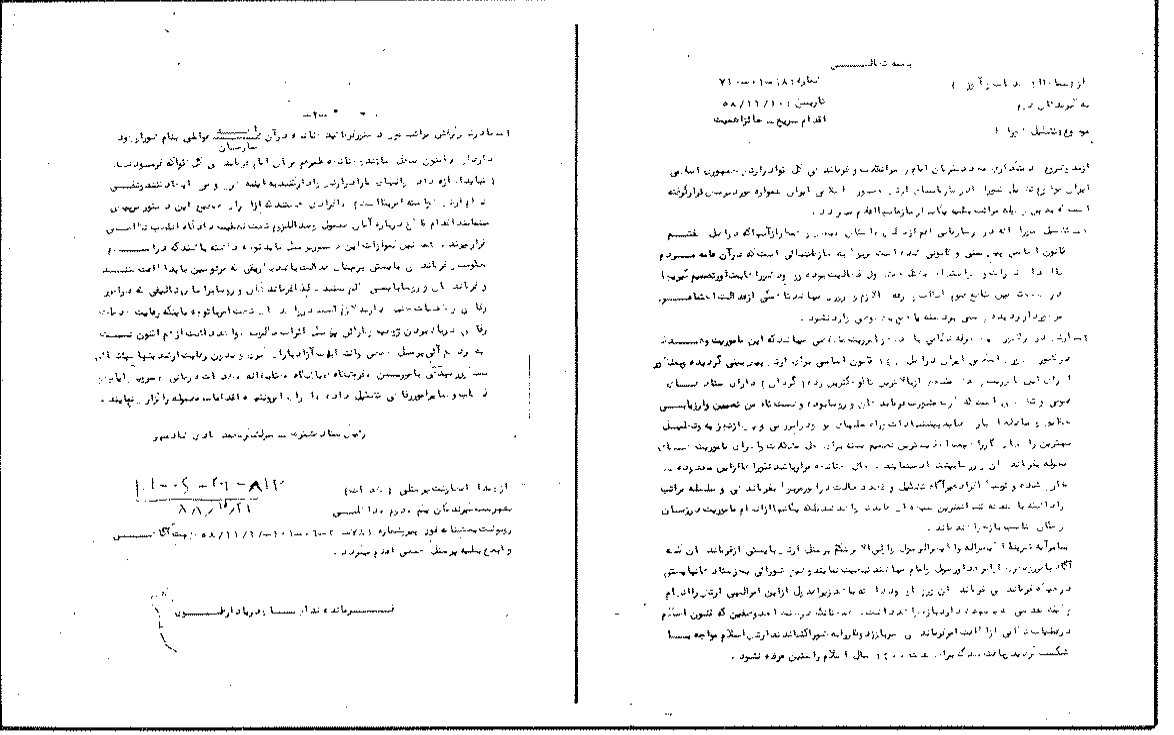
انحلال شوراها در ارتش، پاسخی که به پرسنل انقلابی داده شد



آشکار و رسماً شوراها غیر قانونی و منحل اعلام می‌شود. دیگری که تاریخ ۲۸ بهمن دارد صادر می‌شود و طی آن انحلال مشترک ارتش جمهوری اسلامی اعلام می‌شود. به این ترتیب اساس یک ارتش ضد خلقی، یعنی انضباط و اطاعت کورکورانه مورد تأیید و تحکیم قرار می‌گیرد و این همه به خاطر این است که می‌باید "خانه‌به‌خانه" همه آنهایی که از خلقهای قهرمان ایران و منافع طبقه کارگر، دهقانان و سایر زحمتکشان دفاع می‌کنند "سرکوب شوند".

درجه‌داران، همافران و افسران جزء با زحمتکشان و توده مردم میهن ما وجود دارد تحریف و مخدوش کنند. در این قسمت از بخشنامه کوشش شده است پیوند بین امرا و فرماندهی ارتش را با طبقه سرمایه‌داران ایران از چشم‌ها پوشیده نگهدارند و مانع از درک این حقیقت شوند که سازمان و فرماندهی ارتش به گونه‌ای است که در جهت منافع طبقه سرمایه‌دار و زمین‌داران بزرگ به کار گرفته می‌شود و از آنجاکه امپریالیسم ماورا طبقات وجود ندارد در خدمت امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قرار دارد.

در شماره ۷ کار، سندی چاپ کردیم و گفتیم که در این شماره نیز پیرامون آن مطالبی خواهیم نوشت. این سند نشان می‌دهد که چه اقداماتی برای ایجاد ارتشی که بتواند در کشتار خلق‌های قهرمان ایران و سرکوب انقلابیون نقش تعیین‌کننده داشته باشد، صورت می‌گیرد. برای اینکه ارتشی ساخته شود که تماماً در خدمت امپریالیسم آمریکا و طبقه سرمایه‌دار و زمین‌داران بزرگ باشد، باید آن را بر پایه اطاعت کورکورانه سازمان داد و هرگونه پیوندی را که بین توده‌های ارتش با کارگران، دهقانان و دیگر اقشار خلق وجود دارد قطع کرد. در سرتاسر این سند چنین اهدافی دنبال شده است:



هنوز چند روزی از خبر دستگیری فرماندهی نیروی دریایی، دریادار علوی به جرم ارتباط با امپریالیسم آمریکا نمی‌گذرد. طبق این بخشنامه که مضمای فرماندهان ارتش، جمهوری اسلامی سرلشکر شاد مهرو دریادار علوی را دارد و آنطور که آقای رئیس‌جمهور بنی‌صدر هم تاکید کرده است "هرگونه سرپیچی از فرماندهان گناهی ناخوشودنی است" اگر بخواهیم این مطلب را به زبان واقعیات موجود ترجمه کنیم، باید چنین بنویسیم که "هرگونه سرپیچی از فرمان‌های امپریالیسم آمریکا جرم است". در بندهای ۲ و ۳ بطور

در این بند گفته شده است: "تشکیل شوراها مربوط به سازمان‌هایی است که در آن عامه مردم با اهداف و نظرات و خواسته‌های مختلف مشغول فعالیت اند در این بند سعی شده است با تحریف مفهوم شورا ارتش را از شمول اداره شوراها مستثنی اعلام دارد. در چند سطر پایین‌تر، تنظیم‌کنندگان این بخشنامه می‌کوشند ارتش را به عنوان سازمانی که فراتر از طبقات جامعه قرار دارد، توصیف کنند و رشته‌های پیوندی را که بین سربازان،

نابود باد جبهه سرمایه‌داران لیبرال

پیام جنبش چپ انقلابی (MIR) شیلی به

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بهمن ۱۳۵۸ - فوریه ۱۹۸۰

رفقای فدائی خلق!
بدنام جنبش چپ انقلابی (میر) شیلی به شما درود می فرستیم.
ما مبارزه خود را در شیلی در پرتو انترناسیونالیسم پرولتری بخشی از جنبش های انقلابی جهان می دانیم. دفاع قاطعانه از هدف های پرولتاریا در مقابله با هرگونه کوشش امپریالیست ها و بورژوازی

انحصاری برای به خدمت در آوردن جنبش مقاومت خلق در طریق خواسته های شان هسته اصلی سیاست کنونی ما را تشکیل می دهد. از آنجا که ما معتقدیم در این رابطه هدف های مشترکی داریم، درودهای رزمنده خود را به رفقای فدائی خلق می فرستیم. چریک کبیر چه گوارا نشان داد که بهترین نشان همبستگی

انقلابی خلقها به عمل در آوردن قاطعانه سیاست انقلابی است. راه او را ادامه دهیم.
همبستگی خود را به فدائیان خلق اعلام می کنیم
پیروز باد جنبش مقاومت خلق
جنبش چپ انقلابی (میر) شیلی



چرا سیل خوزستان اینهمه خسارت و تلفات جانی بار آورده است؟
آیا بدین دلیل نیست که کارگران زحمتکش، دهقانان تهیدست و توده های محروم خلق عرب فاقد مسکن این ابتدائی ترین نیاز انسانی هستند



دولت و مسئولین امور در این زمینه هیچ گونه اقدامی انجام نداده اند
ما خواهان مصادره ساختمانهای سرمایه داران بنفع زحمتکشان میهنمان هستیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - خوزستان

طرح ترافیک تهران

اگر واقعا اجرا بشود
به سود طبقه زحمتکش است

● چنانچه با موج بیکاری که در اثر اجرای طرح پدید می آید، مقابله نشود، فشارهای اقتصادی اجرای این طرح را با موانع جدی مواجه می سازد.

● بدون تبدیل کارخانه های اتوموبیل سازی موجود به کارخانه های سازنده وسایل نقلیه عمومی طرح نمی تواند موفق باشد.

پشتیبانی گروهی از نویسندگان

از کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
و کاندیداهای عضو سازمان مجاهدین خلق ایران

ایران ضمن محکوم کردن طرح دومرحله ای کردن انتخابات، پشتیبانی خود را از کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و کاندیداهای عضو سازمان مجاهدین خلق ایران و نیز دکتر منوچهر هزارخانی عضو کانون نویسندگان ایران اعلام می داریم و نیروهای مترقی جامعه را به پشتیبانی از این کاندیداهای بیانگر خواست ها و آرمان های خلق ایران اند، فرا می خوانیم.

حقوق زن و مرد و حقوق خود مختاری خلق های برتر ایرانی آزاد و مستقل، در پیوندی ناگسستنی با مبارزات صدامپریالیستی خلقمان ارزیابی می کنیم، و از آنجا که هماهنگی نیروهای مترقی و انقلابی جامعه در این برهه از حیات پر فراز و فرود سیاسی ایران را یک ضرورت می شناسیم، ما گروهی از نویسندگان، شاعران، محققان و مترجمان

از آنجا که قیام شکوهمند خلق های قهرمان میهنمان راکه در بهمن ۱۳۵۷ به واژگونی نظام ضد خلقی پهلوی انجامید نتیجه منطقی مبارزه تاریخی مردم ایران در طریق احقاق حقوق دمکراتیک خود می دانیم از آنجا که تحقق آرمان های قیام رایبه منظور استقرار مناسبات عادلانه اجتماعی در گرو مبارزه برای تثبیت حقوق کار و دمکراسی (آنگونه که خلق بدان چشم دارد) و برابری کامل

امپریالیسم در جهت قطع وابستگی و در مجموع به سود مردم زحمتکش تمام می شود. شخصی های مسافرکش که بیش از چند هزار خانواده را نان می دهند اکنون بیکار شده اند. برعهده دولت است تا هر چه سریع تر برای این گروه پلاک تاکسی صادر کند تا هم زمینه اشتغال این عده فراهم شود و هم وسایل نقلیه عمومی بیشتری در اختیار مردم قرار گیرد.

چهره شهر تهران از روز سه شنبه ۴ اسفند دگرگون شده بود. خیابان ها از اتوموبیل های شخصی خالی بود و مردم زحمتکش راحت تر از گذشته آمد و شد می کردند. مردمی که اتوموبیل ندارند با شادی از این طرح استقبال کردند سرمایه داران و افسار مرفه جامعه با این طرح موافق نیستند و در برابر آن بهانه تراشی می کنند اما این طرح اگر واقعا اجرا شود گامی است علیه سلطه اقتصادی

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر